صدرالدین قونوی و فهرست کتاب‌های کتابخانه او

هادی مکارم تربتی[1]

پیش‌گفتار

سال‌ها پیش در کتابخانه و موزهٔ ملک که از خیرات و حسنات جاریه مرحوم حاج حسین آقا ملک التجار ـ طاب الله ثراه و جعل الجنة مثواه ـ است، به تحفه‌ای نفیس از نوادر مخطوطات عرفانی برخوردم که از حیث قدمت و اَصالت و احتوا بر رسائل عتیق و ارزشمند، بسیار ثمین و گرانبها در نظر آمد. این مجموعه که به شمارهٔ ٤٢٦٣ در آن کتابخانهٔ عامره رقم خورده، و در جلد هفتم از فهرست نسخ خطی آن مکتبه (ص٣٠٦ تا ٣٠٨) معرفی گردیده است، از مکتوبات حوالی سال‌های ٦٦٠ تا ٦٦٥ قمری[2] است و ١٧٢ برگ ١٩ سطری، به قطع ١٢.٧×٢٣.٥ سانت دارد و محتویات آن عمدتاً رساله‌هایی در تصوف از محمّد بن عبدالجبار نِفّری، همچون **المواقف** و **موقف المواقف** و **المخاطبات** است. برخی نکات و فوائد متفرقه نیز در آن به چشم می‌خورد که از جملهٔ آنها ذکر سلسلة التشبیک ابوالمعالی صدرالدین محمّد بن اسحاق قونوی است که یکی

١. دانش‌آموختهٔ حوزهٔ علمیهٔ مشهد مقدس.

٢. جمیع سنوات مذکور در این وجیزه بر اساس سال‌های هجری قمری است، مگر آنکه به خلاف آن تصریح شود.

از مریدانش طی آن، نحوهٔ اتصال معنوی و سند انتساب عرفانی او را به پیر و مرادش محیی الدین بن عربی، و از او به ابو العباس احمد موصلی تا پیامبر اسلامﷺ مطرح نموده است. پس از آن، در انتهای مجموعه، در چهار صفحهٔ بدرقه در آخر نسخه، فهرست تعدادی از کتب موجود در کتابخانهٔ صدرالدین قونوی به خط خود او آمده است. این صفحات با خطوط کاتب رسائل پیشین متفاوت است، و ظاهراً در زمانی متأخر نسبت به کتابت مابقی اجزاء و به تاریخ نیمه ربیع الآخر ٦٦٥، استنساخ شده است.

با توجه به اشتمال فهرست مزبور بر پاره‌ای فوائد تاریخی و اطلاعات کتابشناختی، نشر آن را مفید دانسته و در احیا و تقدیم و تعلیق بر آن کوشیدیم. باشد که طالبان این قبیل آثار را از آن بهره‌ای حاصل آید.[1] در این نوشته ابتدا نکاتی به‌اختصار، پیرامون حیات و احوالات او می‌آوریم و سپس برخی فوائد و نکات مستفاد از فهرست خودنگاشت خزانه کتب قونوی را ذکر می‌کنیم. بخش دوم مقالهٔ حاضر، شامل متن مصحح فهرست، همراه تعلیقات و حواشی توضیحی و تصاویر اسناد و مخطوطاتی مربوط به صدرالدین قونوی است.

۱. شایان ذکر است که فهرست کتابخانه قونوی، پیش از این در سال ۱۳۷۴ خورشیدی در فصلنامه تحقیقات اسلامی (ش ۱ و ۲، ص۴۷۷ تا ۵۰۲)، توسط یکی از افاضل حوزهٔ تراث و ادب و فرهنگ ایران‌زمین تصحیح و منتشر شده است. ایشان که در دوران حیات پربار خود، زحمات بسیاری در إحیای مآثر اسلامی و متون ایرانی کشیدند و بی‌شک غالب محققان و پژوهشگران معاصر، ریزه‌خوار خوان گسترده تراث تصحیحی و مقالات تحقیقی ایشانند، در احیای این متن کهن و صعب القرائه به‌حق موفق بوده و بسیاری از مشکلات خوانش آن را مرتفع فرموده‌اند. این کمترین در ادامه تلاش ایشان، ضمن اذعان به الفضل للمتقدم، در حد وسع اندک خود کوشیده است که پاره‌ای از مشاکل حل ناشده در آن نشر رفع شود. ضمن اینکه با توجه به دستیابی به اسناد و منابع بیشتر، به معرفی کامل‌تر قونوی و اساتید و شاگردان و آثار و تألیفاتش پرداخته و در حواشی فهرست قونوی اطلاعات جامع‌تری عرضه داشته است.

شرح احوال صدرالدین محمّد قونوی (۶۰۶ـ۶۷۳)

ابوالمعالی صدرالدین محمّد بن مجدالدین اسحاق بن محمّد بن یوسف بن علی قونوی[1] رومی، معروف به شیخ کبیر، متولد حدود ۶۰۶ یا ۶۰۷ در آناطولی ترکیه، و متوفای ۱۶ محرم ۶۷۳ در قونیه و مدفون در مقابل مسجد و زاویه‌اش در قونیه است.[2] وی از علمای نامی و عرفای عالی‌مقام و مشایخ بزرگ قونیه بود. پدرش اسحاق، از اشراف و منتسب به سلاجقهٔ روم بود،[3] و با شیخ اکبر محیی الدین بن عربی (۵۶۰ـ۶۳۸) آشنایی داشت و حدود سال ۶۱۵ وفات کرد. به گفته جامی در نفحات الانس، محیی الدین در آن وقت که از بلاد مغرب متوجه روم بود، در بعضی مشاهدات خود به وقت ولادت وی، استعداد و علوم و تجلیات و احوال و مقامات

۱. قونیه، اکنون از شهرهای جنوب غربی ترکیه و در شمال دریای مدیترانه است.

۲. بنا به نقلی، وصیت کرده بود که جسدش را کنار مزار استادش ابن عربی در صالحیه دمشق دفن کنند که میسر نشد. اما چنین مطلبی در متن وصیتنامه او که در دست داریم و در ادامه تصویر آن خواهد آمد، به چشم نمی‌خورد.

۳. قونوی در همین فهرست، در چند مورد، از کتاب‌هایی یاد می‌کند که به خط پدرش استنساخ شده و این خود دلالت بر مراتب علمی او دارد. این نسخه‌ها علی القاعده از طریق ارث به تملک و حیازت او درآمده است. دکتر ابراهیم محمّد یاسین مصحح کتاب نصوص قونوی، در مقدمه خود بر این کتاب از قول موسی الصدری (در مخطوط رغائب المناقب، کتابخانه حالة افندی ترکیه، رقم ۲۷۷) لقب او را مجدالدین ثبت نموده و نوشته است: «أنّ والد صدرالدین القونوی هو الشیخ مجدالدین بن محمّد بن یوسف بن علی، وکان صدیقا للشیخ الأکبر محی الدین ابن عربی الذي التقی به فی مکة أثناء أدائه لفریضة الحج...» ویلیام چیتیک در مقدمه خود بر نقد النصوص جامی در مورد پدر صدرالدین می‌گوید: «مجدالدین اسحاق از اهالی ملالیه و ظاهراً از مشایخ صوفیه بوده است، ابن بیبی در تاریخ خود حکایت می‌کند که سلطان غیاث الدین کیخسرو بن قلیج ارسلان پس از فوت پدرش قونیه را به تصرف خود درآورد و شیخ مجدالدین اسحاق را که در وقت غیبت و غربت سلطان، از ممالک روم به دیار شام منتقل کرده بود، دعوت کرد که دوباره به قونیه بیاید. ابن بیبی از مجدالدین اسحاق با القاب شیخ ربانی، قدوة الطوائف، اسوة العباد، شرف الأوتاد و شیخ عالم پیشوای آفاق یاد می‌کند. مجدالدین در زمان حج در مکه با ابن عربی آشنا شد و همراه او به آناتولی بازگشت.»

او و هر چه در مدت عمر و بعد از آن بر وی گذشته و خواهد گذشت را شهود کرد. تاریخ دقیقِ آشنایی ظاهریِ صدرالدین محمّد با ابن عربی به‌خوبی دانسته نیست، اما می‌دانیم سفر دوم ابن عربی به بلد روم و شهر قونیه حدود ۶۱۸ بوده و در همین سفر مادر صدرالدین به ازدواج ابن عربی درآمده است. در این زمان صدرالدین محمّد که حدوداً ۱۱ یا ۱۲ سال داشته، در حجر تربیت ظاهری و باطنی شیخ اکبر درآمده و در کنار پدرخوانده‌اش و همراه او به دمشق رفته و از آن پس تا پایان حیات محیی الدین، در سفر و حضر از او جدا نگشته است. وی علاوه بر طی مراحل سلوک معنوی و ریاضات عرفانی، به کسب علوم ظاهری پرداخته[1] و در فقه و حدیث و تفسیر و علوم عقلی و نقلی به مقامات عالی رسیده است.

قونوی دو سال پس از ارتحال شیخ اکبر، در ۶۴۰ از دمشق به حلب رفته و از آنجا برای انجام فریضه حج به حجاز می‌رود. سپس در ۶۴۳ با جمعی از شاگردان به مصر سفر کرده و چندی در قاهره به سر برده و با ابن سبعین از بزرگان متصوفه ملاقات می‌کند. بنا به نقل اکثر منابع تاریخی، وی در فروعِ فقهی، به مذهب شافعی متمایل بوده است. با شیخ الشیوخ سعدالدین حموی و شمس الدین اسماعیل بن سودکین شارح تجلیات ابن عربی نیز ملاقات و رابطهٔ محبت و دوستی، و با خواجه نصیرالدین طوسی در مسائل حکمت مکاتبه داشته است. سالیان آخر حیات خویش را با مولانای روم در یک شهر زندگی می‌کرد و با هم کمال یگانگی را داشته و وظایف تجلیل و احترام تمام در حق یکدیگر معمول می‌داشته‌اند. جلال الدین محمّد مولوی در همان سال وفات قونوی، به چند ماه مقدم بر او، دار فانی را وداع گفت و نماز وفاتش را بنا به وصیتش، صدرالدین قونوی اقامه کرده است.[2]

---

۱. قونوی در همین فهرست به یکی دیگر از مشایخ خود در حدیث و علوم ظاهری، یعنی شمس الدین یوسف بن خلیل بن عبد الله أبو الحجاج آدمی دمشقی، اشاره می‌کند.

۲. نفحات الانس، ص ۳۴۹ـ ۳۵۰. شمس الدین احمد افلاکی نیز در مناقب العارفین می‌گوید حضرت ⇔

قونوی به زبان فارسی نیز آشنا بود و مراسلات و ابیاتی از او به این زبان نقل کرده‌اند. کتاب‌های تبصرة المبتدی و مطالع او به زبان فارسی تحریر شده. برخی از مجالس درس و وعظ او نیز به فارسی برگزار می‌شده؛ کما اینکه کتاب منتهی المدارکِ سعیدالدین فرغانی شرح عربیِ قصیده تائیه کبرای ابن فارض است، که صدرالدین این قصیده را در روم و شام و مصر و نیز بنا بر تصریح شمس الدین ایکی به زبان فارسی تدریس می‌کرده است. فرغانی تقریرات استاد را در ابتدا به صورت فارسی تحریر می‌کند و بر آن مقدمه‌ای نافع که در فهم قصیده مدخلیتی تام دارد، مرقوم می‌دارد و استاد او قونوی نیز مقدمه‌ای به زبان فارسی بر آن می‌نویسد. سپس به دستور او سعیدالدین شرح را به عربی به تحریر در آورده و مطالب گرانقدری بر مقدمه آن می‌افزاید.[1]

وی سرانجام در سال ۶۷۳ خرقه تهی نموده و سرای فانی را ترک می‌نماید. وصیت نموده بود که جنازهٔ او را در خرقه ابن عربی در پیچند و جای قبرش را با سجاده اوحدالدین کرمانی مفروش نمایند. آن گونه که از وصیتنامه او مکشوف می‌شود، ظاهراً در هنگام وفات، از او تنها یکِ دختر به نام سکینه باقی بوده است. تصویر متن کامل این وصیت را در بخش اسناد خواهیم آورد و در اینجا ترجمه فرازی از آن را به جهت اتمام فائده نقل می‌کنیم:

و اصحاب خویش را وصیت می‌کنم که پس از من در مجملات و مبهمات و مشکلات معارف ذوقی، فرو نروند، بلکه به تأمل در صریح و منصوص

⇔ چلبی حسام الدین از حضرت مولانا پرسیده بود که نماز شما را که بگزارد، فرمود شیخ صدرالدین اولی است.

۱. منتهی المدارک و منتهی لب کل کامل و عارف و سالک، اولین شرح تائیه ابن فارض است که وسام الخطاوی، آن را تحقیق کرد و در سال ۱۳۸۵ به همت نشر مطبوعات دینی در قم طبع گردید. ظاهراً در آن روزگار در منطقه آسیای صغیر، بر اثر مساعی مولانا جلال الدین رومی، فرهنگ ایرانی و فارسیدانی و فارسی‌نویسی گسترش فراوانی داشته و زمینهٔ افاده و استفاده از این زبان فراهم عام بوده است.

آن اقتصار کنند، بدون تفقه و تمسک به تأویل آنچه جلی و صریح است. و سوای آن در کلام من و شیخ [اکبر محیی الدین بن عربی] رضی الله عنه وارد نشوند که بعد از من مسدود است. پس کلامی از ذوق احدی قبول نمی‌شود. اللهم إلا مَن أدرک منهم الإمام محمّد المهدیعليه‌السلام. پس سلام مرا برساند و از او آنچه از معارف که بدان خبر می‌دهد، بر گیرد... و تمسک کنند به کتاب و سنت و اجماع مسلمین و دوام ذکر و اشتغال به فراغت قلب به مواجهت با جناب حق، به موجب آنچه در رساله هادیه مرشده ذکر شد و حسن ظن بالله و اشتغال به چیزی از علوم نظری و غیر نظری نداشته باشد، بلکه اقتصار کند در ذکر و تلاوت قرآن و مداومت بر اوراد موظف و مطالعه آنچه ذکر شد...

شاگردان صدرالدین قونوی

وی در دوران حیات پربار خود، حوزهٔ درسی وسیعی داشته است؛ از دمشق و مصر تا قونیه. در طی سال‌ها تدریس علوم ظاهری و معارف باطنی، به تربیت شاگردان بسیاری توفیق یافت. بزرگ‌ترین اساتین و مدرسین و مؤلفین و عرفا از نواحی مختلف برای کسب فیض و معرفت به محضرش رسیده و تلمذ کرده‌اند. می‌توان گفت در مقام مقایسهٔ کیفی با شاگردان ابن عربی، تربیت‌یافتگان محضر صدرالدین قونوی به مراتب از مقامات علمی بالاتری برخوردارند. اسامی برخی از ایشان بدین قرار است:

قطب الدین شیرازی، شارح حکمت الاشراق.

مؤیدالدین جندی، اولین شارح فصوص الحکم ابن عربی.

شیخ فخرالدین عراقی، شاعر و نویسنده.

عبدالرحمن جامی.

عفیف‌الدین سلیمان بن علی تلمسانی.

شیخ سعیدالدین سعید فرغانی، صاحب مشارق الدراری و منتهی المدارک.

شمس‌الدین ایکی.

شیخ نورالدین. بنا به نقل شمس‌الدین احمد افلاکی، وی پدر کمال خُرساف و از معتبران اعیان بوده است.

نصیرالدین قونوی.[1]

ناصر الدین. مراسله‌ای از او به استاد و مرادش قونوی در دست است.

نجم الدین، که مکتوبی از قونوی به او در دست است و در آن اشاره شده است که وی از اصحاب قونوی بوده است.

بهاء الدین. دو نامهٔ فارسی از قونوی به او در دست است.

محی الدین بن سراقه، که در مکتوبی خطاب به قونوی به مراتب ارادت خود تصریح کرده است.

شیخ تقی الدین حورانی.

سعدالدین محمّد بن احمد کاشانی.[2]

معین الدین سلیمان بن مهذّب الدین علی دیلمی معروف به پروانه(مقتول در ۶۷۵). چندین مراسله میان آن دو گزارش شده است.

زین‌الدین ابوعبدالله محمّد بن ابی‌بکر بن عبدالقادر رازی حنفی، صوفی زنده به سال ۶۶۶، مؤلف کتاب مغانی المعانی در اختیارات شعری. وی مدتی در قونیه، مصاحب صدر الدین قونوی بوده و بسیاری از تألیفات قونوی را استماع کرده است.

آثار صدرالدین قونوی

هرچند قونوی، در شمار مؤلفین پرنویس نیست، به‌ویژه در قیاس با استادش ابن عربی، اما کیفیت و اتقان آثارش زبانزد است و بر بسیاری از همگنان خود تقدم دارد. برخی از آثار او از همان اوان تألیف و اشتهار در اوساط علمی، مطمح نظر شارحان و

---

۱. به نقل شمس الدین افلاکی از مؤیدالدین جندی. مناقب العارفین، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. صفدی، وی را همراه شمس الدین ایکی از شاگردان قونوی دانسته است. الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۹۹.

محشیان بوده، و جزو کتب درسی حوزه‌های عرفان نظری قرار گرفته است. اینک فهرستی از عناوین آثارِ قطعی النسبه به او را عرضه نموده، اطلاعات تفصیلی کتابشناسی و نسخه‌شناسی آنها و نیز ذکر آثار مشکوک النسبه را به وقتی دیگر می‌سپاریم:

۱. مفتاح غیب الجمع و الوجود، معروف به مفتاح الغیب.

۲. النصوص فی تحقیق الطور المخصوص.

۳. النفحات الالهیه.

۴. الفکوک فی اسرار مستندات حکم الفصوص.

۵. إعجاز البیان فی تأویل ام القرآن.

۶. شرح حدیث (یا أحادیث) الأربعین.

۷. المنتخب فی الحدیث.[1]

۸. مختصر غریب الغزنوی.[2]

۹. شرح الأسماء الحسنی.

۱۰. اللمعة النورانیة فی شرح الشجرة النعمانیة فی الدولة العثمانیة.

۱۱. کشف ستر الغیرة عن سرّ الحیرة.

۱۲. عَلَمُ العِلم.

۱۳. نفثة مصدور و تحفة شکور (آنچنانکه خواجه نصیر در پاسخ مکتوب قونوی از آن یاد نموده) یا نفثة المصدور و تحفة المشکور (آنچنانکه مؤلف کشف الظنون نوشته است).

۱۴. نفحة الشکور.[3]

---

۱. نام این رساله تنها در همین فهرست، و اطلاع دیگری از آن در دست نیست.

۲. قونوی در همین فهرست به این اثر خود تصریح نموده.

۳. نام این کتاب و انتسابش به قونوی به‌صراحت و با همین املاء در فهرست کتب قونوی به قلم خودش آمده است. لذا آن را عنوانی جدید و متفاوت با عنوان قبلی گرفتیم؛ هرچند احتمال یکی بودن آن دو وجود دارد.

۱۵. التوجه الأتمّ الأعلی نحو الحقّ جلّ وعلا.

۱۶. وصایای سلوکی و دستور العمل‌های عرفانی.

۱۷. وصیتنامه، یا وصیت الشیخ صدرالدین عند الوفاة.

۱۸. شعب الایمان.

۱۹. رساله در باب عرش (به فارسی).

۲۰. الإلماع ببعض کلیات اسرار السماع.

۲۱. رساله در مراتب کشف (به فارسی).

۲۲. رساله در بیان مبدأ و معاد.

۲۳. ضابطة حکمیّة.

۲۴. رساله در تصفیه و سلوک یا رساله در سیر و سلوک.

۲۵. تبصرة المبتدی و تذکرة المنتهی به فارسی در اصولِ معارف.

۲۶. مطالع الایمان.

۲۷. مرآة العارفین و مظهر الکاملین فی ملتمس زین العابدین (یا زبدة العارفین).

۲۸. مکتوبات (خطاب به شاگردان و مریدان و برخی معاصران).

۲۹. المفاوضات (مکتوبات مؤلف با خواجه نصیرالدین طوسی).

۳۰. الرساله المفصحة عن منتهی الأفکار و سبب إختلاف الأمم.

۳۱. حاصل نتائج افکار، همراه مجموعه سؤالات علمی و فلسفی از خواجه نصیرالدین طوسی.

۳۲. الرساله الهادیه.

۳۳. توحید و اسم اعظم.

۳۴. کشف الغرة عن سرّ الحیاة.

۳۵. رسالة فی أمر المهدی.

در برخی فهارس و کتب تراجم، تعدادی دیگر از آثار منسوب بدو ذکر شده است. برخی از این آثار احتمالاً اسامی دیگری از تألیفات پیش‌گفته یا بخش‌ها و اجزایی از آنها است.

اطلاعات مندرج در فهرست کتابخانه قونوی

دو ورقِ آخر این نسخهٔ خطی، مشتمل بر نام کتاب‌هایی است که به تاریخ نیمهٔ ربیع الأول ۶۶۵، نزد صدر الدین قونوی و در خزانهٔ کتب او موجود بوده. این فهرست قطعاً به خط قونوی است، و هرچند در مطاوی آن تصریحی به نام کاتب نشده، اما قرائن متعددی، صحت این مدعا را ثابت می‌کند:

اوّلاً کاتب، به تفاریق و مجموعاً در چهار مورد، به اسامی تألیفات خود با الفاظ «من تألیفی» و «من إنشائی» و کلمه «لی» اشاره کرده و قطعیت انتساب دو مورد آنها به (تفسیر الفاتحه و مفتاح غیب الجمع) قونوی ثابت و مسلّم است.

ثانیاً، در موارد متعددی به ذکر تألیفات محیی الدین بن عربی پرداخته (۱۴ مورد) و در همگی از او تعبیر به «شیخنا» و «شیخی» نموده است و می‌دانیم که ابن عربی مهم‌ترین استاد علوم ظاهری و مربی و مرشد او در معارف باطنی بوده است.

ثالثاً، در مواردی که شناسایی مکانِ فعلیِ نگاهداریِ کتبِ مذکور در این فهرست ممکن و به تصاویر تملکات آن دسترسی بوده است، تصریحاتی مبنی بر تعلق آن نسخه‌ها به صدرالدین قونوی شده است.

رابعاً، تشابه و تطابق خط این اوراق با سایر خطوط قطعی الإنتساب به او، روشن و آشکار است. در انتهای این نوشتار نیز، نمونه‌هایی از خط و رقم کتابت او را می‌آوریم.

خط قونوی در این صفحات بسیار کم‌نقطه، بلکه بیشتر بی‌نقطه است؛ مانند سایر نوشته‌هایش. گویا عادت او همین بوده[1] و گاهی خوانش آثار او را دشوار کرده است. در یک مورد هم تجلید متأخر نسخه حاضر، باعث از بین رفتن کلمه‌ای در هامشِ کتاب، در موضعی قریب به عطف آن شده و راهی برای قرائت صحیح آن باقی نگذاشته است.

۱. البته اجازه‌ای که برای سعیدالدین فرغانی نوشته و دست‌خط آن موجود است، بر خلاف معمول، خوانا و منقوط است.

از نحوهٔ نگارش فهرست و ذکر عناوین کتب و مؤلفان آنها، میزان و چگونگی اطلاعات کتاب‌شناختی نویسنده آشکار می‌شود. وی در ذکر مشخصات کتب، شیوهٔ واحدی ندارد و گاهی که نام کتاب را نمی‌داند یا کتاب به عنوان خاصی مشهور نیست، به ذکر موضوع آن اکتفا می‌کند. غالباً نام مؤلف و گاهی نام کاتب و قطع نسخه و تعداد جلدهای موجود از آن را یاد می‌کند. در دو مورد هم به مکرر بودن کتاب در مجموعهٔ خود، اشاره کرده است.

همچنین با تأمل در عناوین کتاب‌های مندرج در این فهرست به‌خوبی علائق و مذاق او و نیز تخصص یا لااقل ورود او در علوم مختلف هویدا می‌شود. گستره و تنوع این موضوعات به قرار زیر است: عرفان و تصوف (۲۵ عنوان)، ادبیات (۲۲ عنوان)، کلام و فلسفه (۱۷ عنوان)، طبیعیات و نجوم (۱۲ عنوان)، طب (۱۱ عنوان)، تفسیر و علوم قرآنی (۱۱ عنوان)، تاریخ و جغرافیا (۸ عنوان)، ادعیه و علوم غریبه (۸ عنوان)، حدیث (۷ عنوان)، فقه و اصول (۷ عنوان). نکتهٔ جالب و شایان توجه، وجود برخی کتب شیعی و ادعیه‌ای از اهل بیت‌علیهم‌السلام در نزد او است.

تعداد کل عناوین مندرج در فهرست ۱۲۷ عنوان است. از آنجا که برخی کتب دارای مجلدات متعدد و برخی مجموعه رسائل در یک جلد است، آمار تعداد مجلدات کتاب‌ها، دست‌کم ۱۸۱ مجلد است. تعداد نویسندگانی که از آنها حداقل یک اثر در این کتابخانه بوده است، بیش از ۵۳ نفر است، و البته از برخی افراد، همچون ابن عربی (۲۲ عنوان)، ابن سینا (۶ عنوان)، فخر رازی (۵ عنوان)، ابن رشد (۳ عنوان) و... آثار متعددی در تصرف قونوی بوده است.

از دیگر مزایای این کتابخانه اشتمال آن بر نسخی است به خطوط برخی از بزرگان، همچون: قرآن کریم به خط فخر رازی، قرآن به خط جوینی، آثار متعددی از ابن عربی به خط همو، خصوصاً دوره ۳۷ جلدی فتوحات مکیه، دو نسخه به خط مجدالدین اسحاق بن محمّد قونوی، کتبی به خط صدرالدین محمّد قونوی از آثار خودش و فصوص الحکم و برخی دیگر از رسائل ابن عربی، الموضوعات الکبری ابن

جوزی به خط پسرش محیی الدین ابومحمّد یوسف، مجموعه بزرگی به خط کمال الاسکندرانی، و تاج الدین کندی و...

آثاری از صدرالدین قونوی در این فهرست آمده است که اثری از عناوین و نسخ آنها در هیچ یک از کتب فهارس و تراجم، تا کنون در دست نیست، مانند (المنتخب فی الحدیث و مختصر غریب غزنوی. همچنین به تألیفاتی از ابن عربی اشاره می‌کند که نسخ آنها تا کنون ناشناخته‌اند؛ از جمله کتابی مفصل در سه جلد به نام اختصار التحصیل در خلاصهٔ تفسیر التحصیل فی مختصر التفصیل، از ابوالعباس احمد بن عمار مهدوی تمیمی مقری اندلسی، و نیز کتابی به نام الشواهد (یا المواهب) که ذکر آن در سایر منابع نیامده است.

فوت قونوی، هشت سال پس از تحریر این فهرست است. او کتاب‌هایش را وقف مسجد و خانقاه و زاویه‌اش در قونیه می‌کند؛ همان‌جایی که سرانجام مقبره و مزار او شد. تعدادی از آن کتاب‌ها تا زمان حاضر موجود و غالباً جزء متعلقات کتابخانه یوسف آغا در قونیه، و پاره‌ای نیز درکتابخانه و موزهٔ آثار اسلامی و اوقاف استانبول (ایفکاف موزهسی) و برخی کتابخانه‌های دیگر ترکیه نگاه‌داری می‌شوند. ما در اینجا، در هر مورد که اطلاع دقیقی راجع به وضعیت کنونی نسخه‌های معرفی شده در این فهرست، به دست آورده‌ایم، در تعلیقه مربوط به همان نسخه اشاره کرده‌ایم.

متن فهرست

بسم الله الرحمن الرحیم. فهرست الكتب في منتصف ربيع الآخر سنة خمس و ستّين و ستّمائة:

ختمة كريمة[1] بخط الإمام فخرالدين الرازي[2]ﷺ، قطع الرُّبع، في مجلّد واحد.

---

۱. منظور کلام الله مجید است.

۲. ابوعبدالله محمّد بن ضياء الدين عمر بن حسين تيمی بكری طبرستانی رازی، ملقب به فخرالدين و معروف به ابن خطيب و خطيب ری، يكی از حكيمان نامبردار و از جمله متكلمان و ⇔

ختمة كريمة حمائلية،[1] بخطّ الأخ زين الدين[2] أكرمه الله.

جزو من القرآن، بخطّ الجويني الكاتب(ظ).

تفسير القرآن للمهدوي المسمّى بالتحصيل إختصار شيخنا ﷺ،[3] وبخطّه

⇔ ناطقان زبردست ایران است. وی در اصول و کلام مذهب اشعری و در فروع و فقه مذهب شافعی داشت. تولد او روز ۲۵ رمضان سال ٥٤٤ در ری بود و وفاتش در سال ٦٠٦ هجری، روز دوشنبه اول شوال (عید فطر) در هرات اتفاق افتاد و مرقدش در شمال غرب شهر هرات زیارتگاه خاص و عام است. از رازی آثار بسیاری ذکر کرده‌اند که آنها نیز از شهرت و اهمیت زیادی برخوردار است و در سراسر ممالک اسلامی مورد بحث و تحقیق قرار گرفته است؛ از جمله: تفسیر قرآن، معروف به «تفسیر کبیر» و «مفاتیح الغیب»؛ المطالب العالية در علم کلام؛ نهاية العقول؛ کتاب الاربعين فی اصول الدين؛ المحصل فی الكلام؛ المحصول در اصول فقه؛ لباب الاشارات، خلاصة اشارات ابوعلی سينا؛ شرح المفصل جارالله زمخشری؛ شرح قانون ابن سينا؛ المباحث المشرقيه؛ جامع العلوم، معروف به «ستينی»؛ شرح الاشار؛ عيون الحكمه؛ شرح الأسماء الحسنی؛ شرح نهج البلاغه؛ شرح سقط الزند ابوالعلاء معری.

۱. قطع حمایلی، قطعی بوده است به طول و عرض ۱۲×٦ سانتیمتر. وجه تسمیه این قطع به حمایلی، این است که نسخه‌هایی را که در قطع مزبور بود، به صورت حمایل روی لباس زیرین می‌آویختند.

۲. به درستی روشن نیست که آیا منظور از تعبیر «أخ»، برادر خونی و نسبی است، یا زین الدین، یکی از برادران دینی و سلوکی یا مریدان او بوده است.

۳. منظور از «شیخنا» در این فهرست همواره ابن عربی است. ابن عربی در سال ۵۶۰ در اندلس به دنیا آمد و در هشت سالگی با کسان خویش به اشبیلیه رفت و مقدمات علم را در آنجا فراگرفت. سپس نزد دانشمندان بزرگ آن سامان، مانند ابن بشکوال به تکمیل معلومات خود پرداخت و به سال ۵۹۰ به تونس و در ۵۹۸ به مشرق سفر کرد و در آنجا متوطن شد. در حدود همین سنوات، توفیق زیارت خانه خدا را یافت و در آنجا با شیخی ایرانی و دخترش نظام که از حیث ظاهر و باطن محسنات بسیاری داشت روبرو می‌شود و در مدیح نظام قصائد متعددی می‌سراید که در دیوانش مضبوط است. در همین سفر با اسحاق قونوی پدر صدرالدین محمّد آشنا می‌شود، دو بار نیز به بغداد سفر می‌کند. در سال ۶۱۱ در مکه رحل اقامت می‌اندازد. سپس به حلب و پس از آن به موصل و منطقهٔ آسیای صغیر می‌رود و در حدود ۶۱۸ به شهر قونیه وارد می‌شود و مورد استقبال امیر سلجوقی آن سامان قرار می‌گیرد. در این سفر است که با مادر صدرالدین قونوی ازدواج می‌کند. وفات او در دمشق به سال ۶۳۸ بوده و قبر او در دامنه کوه قاسیون هم اکنون برجا و مشهور است. محیی الدین را کتب بسیاری است، که از مهم‌ترینشان دو کتاب فتوحات مکیه و فصوص الحکم ⇔

الملهم(ظ)، في ثلاث مجلّدات.

تفسير القرآن للشيخ أبي الحكم ابن پرجان[1]ﷺ، في مجلّدين، بخطّ واحد، قطع الربع أيضاً.

كتاب الغريبين للهروي،[2] تماماً في مجلّدين.

غريب القرآن للعزيزي.[3]

↔ است. فقها و علمای ظاهر چه در زمان او و چه پس از او همیشه او را به حلول و اتحاد متهم کرده‌اند، و نیز عقیده او به وحدت وجود و دعاوی او در مکاشفات غریبه، اهل شرع را علیه او برانگیخته است. با این همه بعض از علما و فقهای عصر او و پس از او، مانند عبدالرزاق کاشانی و جلال الدین سیوطی و فیروزآبادی، در تعدیل و تزکیه و تصحیح عقاید او کوشیده‌اند.

۱. ابوالحکم عبدالسلام بن عبدالرحمن بن محمّد لخمی اشبیلی، متوفی ۵۶۳، از متصوفه و مفسرین اندلس بود. وی در مصادر عربی به ابن برّجان معروف است، اما در کتابت قونوی به وضوح ابن پرجان آمده است. در جلد اول از نسخهٔ خطی متعلق به او، کاتب به نحوی ابن برّجان را کتابت نموده است که قرائت آن به شکل ابن پرّجان هم ممکن است. دو نسخه از این تفسیر در کتابخانه یوسف‌آغای قونیه با شماره‌های ٤٦٦٢ و ٤٦٦٤ نگهداری می‌شود. این دو نسخه همانی است که در اختیار صدرالدین قونوی و احتمالاً ابن عربی بوده است. این تفسیر در سه جلد و تقریباً کامل است. تصویر برگه اول این دو نسخه، که مشتمل است برگواهی تملک قونوی و نیز متن وقفنامه آن نسخ بر کتابخانه موجود در جنب مقبره او، در قسمت اسناد و مخطوطات در انتهای همین وجیزه، گراور شده است. دستیابی به این دو تصویر، به لطف صدیق معظم جناب آقای محمّد سوری ممکن شد.

۲. کتاب الغریبین (غریب القرآن و الحدیث)، کتابی است بسیار مشهور از ابوعبید أحمد بن محمّد بن (عبدالرحمن؟) محمّد باشانی هروی معروف به مؤدب و متوفی رجب ۴۰۱ در هرات. وی یکی از علما و ادبای بزرگ عصر خود بود و در قریه باشان از قرای هرات متولد شد؛ اما برخی (مانند دهخدا در لغتنامه به نقل از روضات الجنات و حاجی خلیفه در کشف الظنون) بهاشتباه او را قاشانی ذکر کرده‌اند. سیوطی در ذکر او در کتاب طبقات النحاة می‌گوید: أحمد بن محمّد باشانی هروی شاگرد ربیع بن سلیمان، ابو عبدالله إبراهیم بن محمّد بن عرفه بن سلیمان عتکی أزدی از أئمه نحو معروف به نفطویه و ابن سراج نحوی بوده است، و ابوبکر محمّد بن حسن بن درید أزدی بصری دوسی عالم، ادیب و از بزرگ‌ترین شعرای عرب را نیز درک کرده است.

۳. غریب القرآن یا نزهة القلوب فی تفسیر غریب القرآن از محمّد بن عزیز سجستانی معروف به عزیزی ↔

جامع الأُصول في أحاديث الرسولﷺ،[1] في عشر مجلّدات، رُبعية.

كتاب الأحكام في الحديث، في ستّة مجلّدات، رُبعية، تأليف الإمام عبدالحقّ.[2]

مشيخة[3] شيخنا شمس الدين يوسف الآدمي الدمشقي،[4] في مجلّد، تشتمل على

↔ متوفی ۳۰۳. اگر کتاب مذکور در ردیف ۵۲ این فهرست «مختصر غریب العزیزی» قرائت شود (نه غریب الغزنوی)، محتمل است اشاره به همین غریب القرآن باشد.

۱. نوشتهٔ مجدالدین ابوالسعادات مبارک بن ابوالکرم محمّد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی موصلی جزری شافعی معروف به ابن أثیر (۵۴۴ـ ۶۰۶). وی از دانشمندان قرن ششم و صاحب اطلاعات وسیع در فقه و حدیث و اصول و ادب بوده است. از او آثار متعددی در دست است، از جمله کتابی مهم در ذکر لغات غریب حدیث به نام النهایه فی غریب الحدیث. عزالدین علی بن محمّد (۵۵۵ـ ۶۳۰)، مورخ و محدث مشهور، و مؤلف الکامل فی التاریخ و أسد الغابة فی معرفة الصحابة، برادر کهتر او است.

ابن اثیر جزری در کتاب جامع الاصول، ضمن جمع روایات صحیح بخاری، صحیح مسلم، موطأ ابن مالک، سنن ابی داود، سنن نسایی و ترمذی، با مرتّب کردن احادیث بر اساس حروف الفبا، به شرح غرائب آنها پرداخته است و در برخی موارد به مباحث فقه الحدیثی، رجالی و دیگر مباحث مرتبط با احادیث نیز اشاره کرده است. این کتاب بسیار مورد توجّه قرار گرفته است؛ به طوری که بارها چاپ شده و شروح و تلخیص‌های مختلفی برای آن نوشته‌اند؛ از جمله: تجرید الأصول فی أحادیث الرسول، نوشته هبة الله بن عبدالرحیم حموی بارزی(م ۷۳۸) و تیسیر الوصول إلی جامع الأصول اثر عبدالرحمن بن ربیع شیبانی یمنی(م ۹۴۴).

۲. نوشتهٔ حافظ ابومحمّد عبدالحق بن عبدالرحمن بن عبدالله أزدی إشبیلی أندلسی، معروف به ابن خرّاط (۵۱۴ـ ۵۸۱). وی از فقها و ادبای عالِم به حدیث و رجال بود. از او کتاب‌های الأحکام الشرعیة الکبری و الأحکام الشرعیة الصغری (الصحیحه)، و نیز الأحکام الوسطی من حدیث النبی چاپ شده است. این آثار هم از او است: المعتل من الحدیث، الجامع الکبیر، کتاب کبیر فی غریب القرآن والحدیث.

۳. مشیخه، در لغت مانند شیوخ و أشیاخ، جمع شیخ است، که به استاد، عالم و بزرگ قوم گفته می‌شود و جمع الجمع آن مشایخ است. در اصطلاح علم الحدیث، مشیخه به معجم خاصی گفته می‌شود که در آن، مؤلف سند احادیث خود را از مشایخش یا کتاب یا اصلی که حدیث را از آن گرفته، بیاورد.

۴. حافظ شمس الدین ابوالحجاج یوسف بن خلیل بن عبد الله آدمی دمشقی حنبلی، متوفی سنة ۶۴۸، از محدثان بزرگ حلب و مسانید شام.

أحاديث رواها عن شيوخه﵏.

المنتخب في الحديث، تأليفي.[1]

مجلّد في الحديث من المحجّة البيضاء،[2] تأليف شيخنا﵁.

الفتوحات،[3] في سبعة وثلاثين مجلّداً، بخطّ شيخنا منشئه﵁.

---

۱. از این کتاب در هیچ یک از فهارس و زندگی‌نامه‌های در دسترس، ذکری به میان نیامده و از نکات انحصاری مستفاد از این فهرست است.

۲. المحجة البيضاء فى الأحكام الشرعية. ابن عربی در فهرست خودنگاشت تصانیفش در ردیف ۲۷، از این کتاب چنین یاد کرده است: «صنّفته بمكة المشرفة، أكملت منه كتاب الطهارة والصلاة فى مجلدين، وبيدى الآن المجلد الثالث، أتى فى كتاب الجمعة.» نسخه اصل از جلد دوم این کتاب به خط مؤلفش به شمارهٔ ۵۲۱۶ در کتابخانهٔ یوسف‌آغا در قونیه است و این همان نسخه‌ای است که در اختیار صدرالدین قونوی بوده است. این نسخه را ابن عربی در سال ۶۰۰ در مکه به پایان برده است. نسخهٔ دیگری باز هم به خط مؤلف در کتابخانه إسکی ترکیه به شمارهٔ ۴۹۸۶ وجود دارد که نمی‌دانیم مربوط به کدام مجلد است.

۳. الفتح المكى يا الفتوح المكية، يا الفتوحات المكية فى معرفة الأسرار المالكية والملكية. انتخاب این نام از آن جهت است که کتاب (علی المدعا) شامل مجموعه‌ای از مکاشفات غیبی مؤلف در مکهٔ معظمه و در هنگام طواف بیت الله الحرام و عکوف در بارگاه الهی است. ابن عربی، به‌تصریح خود، فتوحات را دردو مرتبه و بادو ویرایش متفاوت نوشته است. نسخهٔ اول در سال ۵۹۹ در مکه مکرمه آغاز و در سال ۶۲۹ در دمشق تمام شده و نسخهٔ دوم در سال ۶۳۲ آغاز و در سال ۶۳۴ به انجام رسیده است. در نسخه دوم برخی مطالب موجود در نسخهٔ اول حذف و مطالب دیگری به آن افزوده شده است. مخطوطات موجود به خط مؤلف که قونوی در فهرستش از آن یاد کرده است، همان اجزایی است که اینک در کتابخانه إیفکاف (اوقاف) موزهسی (موزه آثار اسلامی در استانبول)، به شماره‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۸۱ (یا در ترقیم جدید ۱۷۳۶ـ ۱۷۷۲) نگهداری می‌شود. این مجموعهٔ کامل و در ۳۷ مجلد مجزا بوده و مؤلف در دمشق از تحریر آن فراغت یافته و جمعاً بالغ بر ۱۰۸۰۰ صفحه است. مجموعه این نسخه‌ها، یک سال پیش از فوت مؤلف و از جانب همو، به فرزندخوانده‌اش صدرالدین قونوی اهدا شده و در صفحهٔ عنوان جزء اول مخطوطه به خط قونوی چنین آمده است: «انتقل هذا السفر وسائر الكتاب من منشيه شيخ الإسلام، أيّده الله تعالى، بحكم الإنعام إلى خادمه وربيب نظره محمّد بن إسحاق غفر الله له ولوالديه، ونفعه بكلّ علم مقرّب ⇔

مجموع؛ فيه الإسراء.[1] ....

⇔ إليه نافع لديه، في شهور سنة سبع وثلاثين وستمائة.» پس از وفات ابن عربی، قونوی به تکمیلِ مقابله اجزای مختلف آن با دیگر شاگردان استادش پرداخته است؛ کما اینکه در ۱۵ جزء اول آن بیش از ۷۰ گواهی سماعِ متنوع مشهود است. مثلاً برخی مجالس سماع و مقابله در منزل اسماعیل بن سودکین در حلب و در بین سال‌های ۶۳۹ و ۶۴۰ بوده است. بعد از آنکه قونوی به مسقط الرأسش بازمی‌گردد، این اجزای فتوحات (و بسیاری دیگر از مؤلفات ابن عربی) را همراه خود آورده و در نهایت وقف کتابخانهٔ مسجد و زاویه خود کرده است. عبارت وقفنامه که به خط یکی از مریدان او در جزء اول چنین است: «وقف هذا الكتاب من أوّله إلى آخره وهو سبع وثلاثون سفراً صاحبه ومالكه الشيخ الإمام العالم الراسخ قدوة أكابر المحقّقين صدرالدين أبوالمعالي محمّد بن إسحاق بن محمّد وعن سلفه، على دار الكتب المنشأة عند قبره لتنفع به ساير المسلمين في موضعه، وبشرط أن لا يخرج منها البتة لا برهن ولا بغيره. فمن بدّله بعد ما سمعه فإنّما إثمه على الذين يبدّلونه، إنّ الله سميع عليم.» در سالیان اخیر به دلیل نفاست فراوان و احتمال تلف شدن و از بین رفتن این اجزا، حکومت ترکیه آنها را از قونیه به کتابخانه اوقاف در استانبول منتقل کرده است. این نسخه همان ویرایش دوم است، و ابن عربی در خاتمه جزء آخر به خط خود چنین نگاشته است: «إنتهى الكتاب على أمكن ما يكون من الإيجاز والاختصار، على يد منشيه. وهو النسخة الثانية من الكتاب بخطّ يدي، وكان الفراغ من هذا الباب الذي هو خاتمة الكتاب بُكرة يوم الأربعاء ۲۴ ربيع الأول ۶۳۶، وكتب منشيه بخطّه محمّد بن على بن محمّد بن العربي الطائي الحاتمي وفّقه الله. و در زیر این عبارت حاشیه‌ای به همان خط آمده: "هذه النسخة سبعة وثلاثون مجلداً، وفيها زيادات على النسخة الأولى التي وقفتها على ولدي محمّد الكبير، الذي أمّه فاطمة بنتِ يونسِ بن يوسف أمير الحرمين وفّقه الله، وعلى عقبه، وعلى المسلمين بعد ذلك شرقاً وغرباً وبرّاً وبحراً، وصلّى الله على سيّدنا محمّد خاتم النبيين، وعلى آله وصحبه أجمعين.» در انتهای همین مقاله، چندین تصویر از صفحات اول برخی اجزای این نسخه آمده است.

۱. الإسراء إلى المقام الأسرى، يا إختصار ترتيب الرحلة، يا كتاب الأسرار وإختصار الرحلة، يا الأسرار وإختصار ترتيب الرحلة من العالم الكونى إلى الموقف الأعلى. این کتاب در ۵۹۴ در شهر فاس تألیف شده و نسخه نفیسی از آن در کتابخانه راغب پاشا به شمارهٔ (۱۴۵۳ / ۸۱ـ ۱۳۲) موجود است. در این نسخهٔ سماعی نقل شده است که بر نسخه اصل آن و در سال ۶۲۸ کتابت شده و از جانب ابن عربی تأیید گردیده است. قاری محمّد بن إسحاق بن محمّد قونوی و سامع محمّد عماد الدين فرزند ابن عربی بوده است. متن سماع هم به خط قونوی است. این کتاب یک‌بار در سال ۱۹۴۸ میلادی در ⇔

والمشاهد،[1] وكتاب عنقاء مغرب،[2] بخطي، لشيخنا﵁.

مجموع آخر من كلام شيخنا﵁. فيه الشواهد،[3] وتاج التراجم،[4] واصطلاح الصوفية،[5] وغير ذلك.

↔ حیدرآباد چاپ شد. اسماعیل بن سودکین شاگرد ابن عربی(متوفی ۶۴۶) نیز شرحی بر آن نوشته است؛ به نام كتاب النجاة من حجب الاشتباه، که مخطوط است.

۱. در فهرست رسائل ابن عربی، رساله‌ای به این عنوان دیده نشده است، اما چندین رساله با اسامی شبیه آن وجود دارد؛ از جمله: مشاهد الأسرار القدسية ومطالع الأنوار الإلهية، که آن را در پاسخ به درخواست اصحاب شیخ عبدالعزیز مهدوی در سنه ۵۹۰ تألیف کرده است. یا الشاهد والمشاهد (مذکور در الفهرس رقم ۲۱۶ والاجازة رقم ۲۲۷ که هر دو نگارش خود ابن عربی است، ولی فعلاً نسخه‌ای از آن سراغ نداریم) یا الفناء فی المشاهدة، که از آن در فتوحات یاد کرده (ج ۲، ص ۶۳۲) و نسخ متعددی از آن موجود است. یا کتاب المشاهدات، که تنها یک نسخه خطی از آن در کتابخانه دولتی برلین وجود دارد.

۲. کتاب عنقاء مغرب فی معرفة ختم الأولياء وشمس المغرب. رساله معروفی است و چند بار هم چاپ شده است. عناوین دیگری نیز دارد: الوعاء المختوم على السر المكتوم، كتاب الكشف والكتم في معرفة الخليفة والختم، البحر المحيط الذي لا يسمع لموجه غطيط.

۳. شاید بتوان آن را «المواهب» خواند. اما به هیچ یک از دو قرائت در فهرست آثار ابن عربی نیامده و ظاهراً تنها منبع ذکر آن همین فهرست است.

۴. تاج التراجم یا تاج التراجمه یا كتاب التراجمه یا منهاج التراجم. این کتاب در ۱۹۴۸ میلادی بر اساس نسخه أياصوفيه در حیدرآباد چاپ شده. شرحی بر آن موجود است به نام كشف تاج التراجم وإيضاح معناه من دائرة الجود والمراحم، که نوشته علی بن محمّد بن أحمد حجازی شرقاوی است. نسخهٔ اصل آن که به خط ابن عربی و متعلق به کتابخانهٔ قونوی است، اکنون در کتابخانهٔ یوسف‌آغا در مجموعه‌ای به شمارهٔ ۵۶۲۳، رسالهٔ پنجم، ص ۸۵ ـ ۱۴۵ موجود است. نسخه دیگری هم در أياصوفيا(۴۸۱۷ / ۷۰ـ ۹۴ب) موجود است که در ۶۴۹ در قونیه کتابت و بر صدرالدین قونوی قرائت شده است.

۵. به عناوین مختلفی در نسخ نامیده شده است، همچون: اصطلاحات الصوفية، ترجمان الألفاظ المحمدية، اصطلاحات أرباب التصوف، شرح الألفاظ الصوفية، كتاب الاصطلاحات، شرح ألفاظ أهل الطريق، اصطلاحات الشيخ محيى الدين، مصطلحات الصوفية، و.... این رساله در دهم صفر ۶۱۵ در ملطیه نوشته و بارها چاپ شده است. در ۱۸۴۵ میلادی در لایپزیک به تصحیح فلوگل؛ در ۱۲۸۳ در قاهره، در ۱۳۰۷ در استانبول، و در ۱۹۴۸ میلادی در حیدرآباد. شرحی نیز بر آن سراغ داریم که مؤلف آن ناشناس و عنوان آن رشح الزلال است.

مجموع آخر من إنشاء شيخنا﵁، فيه الإسفار عن نتائج الأسفار،[1] وكتاب العبادلة،[2] والتدبيرات الإلهية.[3]

مجموع آخر من كلام شيخنا أيضاً﵁، تشتمل على عدّة كتب، منها إشارات القرآن في عالم الإنسان،[4] و شرح مشكل كتاب خلع النعلين،[5] وغيرهما.

---

۱. نسخهٔ اصل آن که متعلق به خزانه قونوی بوده است، اکنون در کتابخانه یوسف‌آغا به شمارهٔ ۵۳۶۳ نگهداری می‌شود. در ۱۹۴۸ میلادی بر اساس نسخه ایاصوفیه در حیدرآباد چاپ شده است.

۲. اسامی متعددی دارد، همچون: كتاب العبادلة فى الحقائق بألسنة الأسماء، جمع كلام العبادلة، شرح العبادلة، كتابُ ألسنة العبادلة، كتاب العباد. در دمشق و قبل از سال ۶۲۶ تألیف شده است. نسخهٔ اصل آن که متعلق به قونوی بوده، اکنون در کتابخانه یوسف‌آغا به شمارهٔ ۴۸۵۹ محفوظ است. نسخهٔ شهید علی‌پاشا به رقم ۲۸۲۶، محتوی دو سماع است: سماع اول در انتهای جزء اول و به تاریخ ۲۲ ذی الحجة سنه ۶۲۶ و مصدَّق از جانب مؤلف است، مسمع: ابن عربی، قاری: منصور المقری، شنوندگان: محمّد بن إسماعيل بن سودكين، محمّد بن إسحاق قونوی، أبوبكر بن محمّد البلخی. سماع دوم در انتهای جزء دوم واقع شده و از حیث تاریخ و مسمع و قارئ و سامع مشابه سماع اول است.

۳. التدبيرات الإلهية فى إصلاح المملكة الإنسانية. نام دیگرش كتاب الإمام المبين الذي لا يدخله ريب ولا تخمين است. ابن عربی آن را در چهار روز در شهر مورو اندلس حدود سال ۵۹۰ نوشته است. نسخه اصل مؤلف در کتابخانه یوسف‌آغا در مجموعه شمارهٔ ۱۶۴۰، ص۷۶ـ ۹۶ نگهداری می‌شود. این رساله در سال ۱۲۸۶ در قاهره و در ۱۹۱۹ میلادی در بریل بر اساس دو نسخه أوبسالا و برلین چاپ شده است. چندین شرح بر آن نگاشته‌اند؛ از جمله: كتاب النفحات القدسية فى معانى التدبيرات الإلهية، از محمّد محمود بن علی الدّمونی؛ شرحی بدون عنوان از علی الکردی؛ الفتوحات الربانية فى شرح التدبيرات الإلهية از حسن بن طعمه البيتمانى.

۴. بر خلاف آنچه ممکن است از عنوان کتاب تلقی شود، این کتاب تأملاتی باطنی است که مؤلف مدعی است از هر سورهٔ قرآن بر او کشف شده و در آن به موضوع معینی پرداخته نشده است. تاریخ اتمام آن در ۶۰۲ و در بیت المقدس بوده، و به نظر می‌رسد آن را در ادامه کتاب دیگرش التنزلات الموصلية نگاشته باشد. نسخه قونوی در مجموعه شمارهٔ ۵۶۲۴ در کتابخانه یوسف‌آغا (ص ۱ تا ۴۵) در قونیه است و در حیات مصنف، کتابت شده است.

۵. مؤلف اصل كتاب خلع النعلين، شیخ ابوالقاسم احمد بن قسی اندلسی است(ر.ک: ردیف ۵۸ در همین فهرست). نسخه متعلق به قونوی، اکنون در کتابخانه یوسف‌آغا ضمن مجموعه شمارهٔ ۵۶۲۴، ص۱۰۹ تا ۳۳۸) نگهداری می‌شود.

مجموع یشتمل علی بعض تصانیف شیخنا﵀، وعلی کتاب التعلیقات للرئیس إبن سینا[1]﵀.

کتاب مناصحة النفس،[2] لشیخنا﵀، بخطّ والدي﵀[3]، في مجلّد.

---

۱. ابـوعلی حسـین بـن عـبدالله بـن سینا (۳۷۰ در بـخارا ـ ۴۲۸ در هـمدان)، از مشـهورترین و تأثیرگذارترین فیلسوفان و دانشمندان ایرانزمین است که به‌ویژه به دلیل آثارش در زمینه فلسفه و پزشکی اهمیت دارد. وی نویسندهٔ کتاب شفا یک دانشنامهٔ علمی و فلسفی جامع، و القانون فی الطب یکی از معروف‌ترین آثار تاریخ پزشکی است. حدود ۴۵۰ کتاب دیگر در زمینه‌های گوناگون به وی نسـبت داده‌انـد. التـعلیقات کـتابی مـهم در مـیان آثـار او است. ایـن کـتاب مـجموعه‌ای از پاره‌نوشت‌هایی حکمی و فلسفی است، که در سه موضوع کلی منطقیات، طبیعیات و الهیات قابل دسته‌بندی است. این مجموعه یـادداشت‌هـا تـوسط بـهمنیار، شـاگـرد وی، پس از مـرگ اسـتاد گردآوری شد. کتاب التعلیقات در سال ۱۹۷۲ میلادی توسط عبدالرحمن بـدوی بـر اسـاس یک نسخهٔ خطی در مصر منتشر شد، اما چندان قابل اعتماد و منقح نبود. حسن مجید العبیدی نیز این کتاب را بر پایه دو نسخه خطّی در بغداد تصحیح و چاپ کرده است (بغداد، بیت الحکمه، ۲۰۰۲ م). همچنین چاپ جدیدی از آن به تصحیح سید حسین موسویان با تکیه بر نسخ متعدد و معتبر، به همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر شده است.

۲. روح القدس فی مناصحة النفس، یا رساله مهدویه، یا روح القـدس فـی مـنهاج الـنفس. رسـاله‌ای است در اخلاق که ابن عربی در سال ۶۰۰ در مکه نوشته و آن را برای دوستش عبدالعزیز مهدوی به تونس ارسال کرده است. وی در این کتاب اسامی حدود ۵۰ نفر از مشایخ طریقتی خود را در اندلس ذکر نموده است. نسخه‌ای از کتاب روح القدس در کتابخانه یوسف‌آغا به شمارهٔ ۵۵۹۵ موجود است که رساله دوم آن مجموعه است. نسخه اصل آن هم در کتابخانه دانشگاه استانبول به شمارهٔ ۷۹ / ۱۰۳ موجود است و بر آن سماعات متعددی دیده می‌شود؛ از جمله سماعی که در هامش ورقه ۱۰۲ وجود دارد به تاریخ ۶۰۰، در مکه مشرفه. در این سماع مسمع و قاری ابـن عـربی است و سامعون: عبد الله بدر بن عبد الله الحبشی، علی بن علی بن عبد الرحمن اللخمی، أحمد بن محمّد القرطبی، علی البوبیی، أحمد بن عمر بن محمّد البغدادی، موسی بن محمّد القرطبی، فضل بن علی الحضرمی، أبو الحسن علی بن فرحون القرطبی، إسماعیل بن عمر القیسی، میمون بن محمّد الزیتونی، حسن بن محمّد المیمونی، عطاء الله بن أبی محمّد الأسکندری، أحمد بن أبی الفـرج البزّاز المکی، أبو محمّد عبد الحق بن أبی بکر البخاری، علی بن أبی العباس المربی، یوسف بن أبی بکر الحنفی و اسحاق بن محمّد رومی هستند، و ناسخ هم همین اسحاق بن محمّد الرومی ⇔

نهاية المجتهد في المذاهب الأربعة، للإمام ابن رشد﵀[4]، في ثلاث مجلّدات.

وکتاب الحجّ من هذا الکتاب[5] في مجلّد صغیر.

مجموع في الحکمة، یشتمل علی مباحث بهمنیار،[6] وکتاب. . . . .

⇔ (پدر صدرالدین قونوی) است. در این گواهیِ سماع بسیار ارزشمند، تعدادی از شاگردان مهم ابن عربی حضور داشته‌اند. سماع دیگری در برگه ۱۰۳ موجود است که در سال ۶۰۱ در بغداد به خط محمود بن إسحاق بن محمّد بن یوسف رومی استنساخ شده است. وی که خود از حاضران در جلسه سماع بوده، برادر بزرگ‌تر صدرالدین محمّد قونوی است. سماع دیگر در انتهای برگ ۱۰۳، به تاریخ ۲۹ رمضان ۶۰۱ در موصل محقق شده است. در این جلسه مسمع مؤلف کتاب، و سامعون: عبد الله بدر الحبشی، إسحاق بن محمّد بن یوسف الرومی، علی بن أبی الفتح الکناری، یحیی بن عبد السّخی واسطی و برادرش أحمد بن مسعود بن شدّاد مقری، عبد الکریم بن یوسف بن الحسین موصلی، أبو بکر بن الحسین الصفار موصلی، و محمّد بن أبی بکر بن علی بوده‌اند.

۳. مجدالدین إسحاق بن محمّد بن یوسف بن علی رومی قونوی.

۴. ابن رشد حفید، ابوالولید محمّد بن احمد بن محمّد بن رشـد، فـیلسوف، شـارح و مـفسر آثـار ارسطو، فقیه و پزشک برجسته غرب اسلامی (اندلس). او در ۵۲۰ در شهر قُرطُبه زاده شد و در ۹ صفر ۵۹۵ درگذشت. گزارشی از خاکسپاری او در قرطبه را نزد محیی الدین ابن عربی می‌یابیم که خود در آن مراسم حضور داشته و در آن هنگام ۳۵ ساله بوده است (الفتوحات المکیه، ج ۱، ص ۱۵۳ ـ ۱۵۴، قاهره، ۱۳۲۹).

اسم کامل کتاب مذکور در فهرست، بدایة المجتهد ونهایة المقتصد است که کتابی است در فقه تطبیقی مذاهب عامّه. او در این کتاب که شامل ۶۷ مبحث فقهی است، فقط به ذکر اقـوال و آرای بـانیان مذاهب چهارگانه اهل سنت و فقهای این مذاهب نپرداخته، بلکه آرای فقهای مـذهب ظـاهری، فقهای متقدم بر مذاهب چهارگانه مانند اوزاعی، ابن ابی لیلی و ابوثور و کسانی چون طبری را نیز آورده است. بدایة المجتهد در آثار برخی مؤلفان به نام‌های دیگـر شـناسانده شـده است: ابـن ابـی اُصیبعه آن را نهایة المجتهد (مانند فهرست قونوی) ثبت کرده و حاجی خلیفه از آن با عنوان نهایة المجتهد و کفایة المقتصد نام برده است. این کـتاب چـندین بـار در فـاس(۱۳۲۷)، قـاهره (۱۳۲۹ و ۱۳۳۵)، استانبول (۱۳۳۳)، بیروت (۱۹۸۲م) و... چاپ شده است.

۵. یعنی بدایة المجتهد و نهایة المقتصد.

۶. ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان سالاری اصفهانی ملقب بـه کـیا رئیس (مـتوفی ۴۵۸)، فـیلسوف مشایی و از برجسته‌ترین شاگردان ابن سینا بود و کتاب المباحثات ابن سـینا بـیشتر در پـاسخ بـه ⇔

الإشارات،[1] وغيرهما.

مجموع فيه حكمة الإشراق للسهروردي[2]﵀، وغير ذلك.

كشف الحقائق للأثير الأبهري[3]﵀، في الحكمة أيضاً، مجلّد.

↔ پرسش‌های اوست. از جمله آثار او التحصیل یا التحصیلات است که آن را به نام دایی خود ابومنصور بهرام بن خورشید بن یزدیار نوشت. او در نوشتن این کتاب از روش استاد خود ابن سینا پیروی کرد. این اثر در قرن پنجم و ششم هجری از آثار مهم فلسفی به شمار می‌آمد. از دیگر آثار او رسالة فی مراتب‌الموجودات و رساله‌ای به نام فی موضوع المعروف بما بعد الطبیعة است. سه کتاب دیگر وی به نام‌های کتاب الرتبة / الزینة فی المنطق، کتاب فی الموسیقی و البهجة والسعادة، اکنون در دست نیست. جمع‌آوری کتاب التعلیقات ابن سینا نیز کار او بوده است. ابوالعباس لوکری مهم‌ترین شاگرد اوست.

۱. الإشارات و التنبیهات از مشهورترین کتاب‌های شیخ الرئیس، ابو علی سینا است که آن را در دو بخش منطق و فلسفه، به زبان عربی به رشته تحریر در آورده است. این کتاب را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین آثار علوم عقلی دانشمندان اسلامی نیز به حساب آورد که در طول چندین قرن همواره مورد توجه علما و محققان علوم اسلامی بوده است. دارای دو جزء است: جزء اول، در منطق و مشتمل بر ده نهج؛ جزء دوم، در فلسفه و حاوی ده نمط. مطالب هر نهج و نمط، در ذیل عناوین اشاره و تنبیه مطرح شده است. بر این کتاب شروح و حواشی بسیاری نگاشته‌اند.

۲. شهاب الدین ابوالفتوح یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی، در ۵۴۹ در سهرورد در اطراف شهر زنجان امروزی به دنیا آمد. سهروردی به سفرهای فراوان رفته و با بزرگان و مشایخ هر دیار ملاقات کرده است. آخرین سفر وی به حلب و دمشق بود و در آنجا مورد احترام ملک ظاهر شاه قرار گرفت؛ اما به دلایل اعتقادی محسود فقهای آن سامان واقع شد؛ تا آنکه سرانجام در ۵۸۷ در جوانی در حلب به قتل رسید. حکمة الاشراق، مهم‌ترین اثر سهروردی است. وی این کتاب را مشتمل بر حکمت‌های شگفت‌انگیز و عبارات رمزگونه معرفی می‌کند. این کتاب به زبان عربی است و بنابه گزارش مؤلف، تألیف آن در سال ۵۸۲ به پایان رسیده است. حکمة الاشراق شامل دو بخش عمده است: در ضوابط فکر و بحث انوار الهیه. در خاتمه نیز وصیتِ مصنّف آمده است. متن حکمة الاشراق را نخستین بار هانری کوربن تصحیح و انستیتوی ایران و فرانسه، همراه مقدمه‌ای مفصّل به زبان فرانسه، در ۱۳۴۹ ش در تهران چاپ کرد. سید جعفر سجادی نیز متن حکمة الاشراق را همراه با ترجمه کامل آن و شرحی مختصر به فارسی، در ۱۳۵۵ ش در تهران منتشر کرد.

۳. نوشتهٔ اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری متوفی حدود ۶۶۰ تا ۶۶۳ از مشاهیر حکمای اسلام و از ↔

شرح عيون الحكمة،[1] في مجلّد تماماً.

قانون المسعودي[2] في العلم الرياضي، تماماً في مجلّد واحد.

↔ شاگردان فخر رازی. کثرت آثار و تعدّد نوشته‌های او گواه است که بر علوم زمان مسلط بود و اکثر اوقات خود را به تدریس علوم و تعلیم طلاب و تألیف کتب گذراند. از وی کتب و رسائل بسیاری باقی مانده است که بیشتر در فلسفه و منطق است. سبک نگارش او علاوه بر اینکه روان، ساده و منظم است، به یک مکتب فکری خاص اشراقی یا مشایی محدود نشده است. او همچون استادش فخر رازی، ذهنی نقاد و تحلیلگر داشت. کتاب الهدایه وی که در حکمت طبیعی و الهی است در تمام ممالک اسلامی مشهور و مدت‌ها کتاب درسی طلاب حکمت بوده و شروح و حواشی مختلفی بر آن نوشته‌اند که مهم‌ترین آنها شرح معین الدین میبدی و ملّا صدرای شیرازی است. کتاب المنطق وی که به ایساغوجی معروف است، توسط شمس الدین احمد فناری (متوفی ۸۳۴) شرح شده و از متون درسی به شمار می‌رود.

کشف الحقائق فی تحریر الدقائق، مرکب از سه بخش منطق، الهیات و طبیعات است. اثر مذکور در دو بخش الهیات و طبیعیات در بسیاری موارد تابع روش فخر رازی در کتاب المباحث المشرقیه است و نیز از آرای فیلسوفانی چون ارسطو، ابن سینا و سهروردی استفاده می‌کند. نجم الدین کاتبی قزوینی (۶۰۰ـ ۶۷۵) از شاگردان بنام اثیر الدین است که شرحی آزاد به نام مبسوط جامع الدقایق فی کشف الحقایق بر کتاب کشف الحقایق استاد نوشته است.

۱. شاید از امام فخر رازی باشد که عیون الحکمه ابن سینا را شرح کرده است. شرح عیون الحکمه، به زبان عربی و در سه بخش منطقیات، طبیعیات و الهیات است. فخر رازی متذکر می‌شود که من مخالف مضامین این کتاب و عقاید ابن سینا هستم، ولی از آنجایی که نام مؤلف در میان علما عظمت فراوانی دارد، و آثارش نوعاً تلقی به قبول می‌گردد، مطالب آن را شکافته، ایرادات آن را نقد و بررسی کردم. این کتاب با تحقیق احمد حجازی احمد السقا چاپ شده است.

۲. از ابوریحان محمّد بن احمد بیرونی (۳۶۲ـ ۴۴۰)، دانشمند برجسته ایرانی در رشته‌های گوناگونِ ریاضی، جغرافیا، زمین‌شناسی، مردم‌شناسی، فیزیک و فلسفه. وی سرآمد روزگار خود بود و نامه‌نگاری‌های مشهوری با ابوعلی سینا داشته است. بیرونی به زبان‌های یونانی، هندی و عربی چیره بود. نوشته‌های ابوریحان را بیش از ۱۵۳ عنوان دانسته‌اند. بیشتر آنها به زبان عربی و ۱۱۵ اثر پیرامون ریاضی است. از میان آثار بیرونی فقط ۳۵ اثر باقی مانده است. او کتاب‌هایی را نیز از سانسکریت به عربی ترجمه کرده. مهمترین آثار او: التفهیم لأوائل الصناعة التنجیم در ریاضیات و نجوم؛ الآثار الباقیه عن قرون الخالیة در تاریخ و جغرافیا؛ قانون مسعودی (دانشنامه‌ای است که به نام ↔

القانون فی الطب،[۱] تمام، في ثلاث مجلّدات.

مجموع، فيه الأدوار،[۲] لابن وحشية.[۳]

↔ سلطان مسعود غزنوی حاکم وقت نوشته است)؛ کتاب تحقیق ماللهند، دربارهٔ تاریخ و جغرافیای هند و عادات و رسوم و طبقات اجتماعی آن؛ تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن؛ تحریر استخراج الاوتار؛ الصیدنه فی الطب، دربارهٔ گیاهان دارویی.

۱. کتاب القانون یکی از کتاب‌های ابن سینا در زمینه پزشکی است که نزدیک به هفتصد سال در مراکز علمی اروپا تدریس می‌شد. این کتاب مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب ابن سینا در طب و از اُمّهات کتب طبی در تمدن ایران پس از اسلام و از جمله مهم‌ترین آثار پزشکان دنیای قدیم است. اصل کتاب به زبان عربی است و عبدالرحمن شرفکندی در دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ شمسی، آن را به زبان فارسی ترجمه کرد. قانون نخست در شهر رم با کتاب نجات بوعلی در دو مجلد، در سال ۱۵۹۳ م منتشر شد. پس از آن در سال ۱۲۹۰ در قاهره، در ۱۲۹۴ در بولاق (ممتازترین چاپ)، در ۱۲۹۶ در تهران، در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۲۴ در لکهنو، در سال ۱۹۰۵م با شرح فارسی آن در لاهور، و کتاب چهارم قانون با شرح فارسی‌اش در سال‌های ۱۲۷۴ و ۱۲۹۶ و ۱۲۹۸ در لکهنو منتشر شده است.

۲. الأدوار الکبیر. ابن ندیم نام این کتاب را الأدوار علی مذاهب النبط ذکر کرده و آن را شامل ۹ رساله دانسته است. ابن وحشیه خود در الفلاحة النبطیة می‌گوید که همراه کتاب أسرار الفلک این اثر را نیز ترجمه کرده است.

۳. ابوبکر احمد بن علی بن قیس کسدانی، معروف به ابن وحشیه، شخصیت ناشناخته نَبَطی در سده‌های ۳ و ۴ قمری. ترجمهٔ آثاری در کشاورزی، گیاه‌شناسی، نجوم، شیمی، زهرشناسی، پزشکی، علوم غریبه و نیز اثری دربارهٔ خطوط دوران‌های کهن به وی نسبت داده می‌شود و عمده‌ترین آنها، یعنی کتاب الفلاحه النبَطیه شهرت جهانی دارد. یگانه راوی آثاری که نام ابن وحشیه را بر خود دارند، ابوطالب احمد بن حسین بن علی بن احمد بن محمّد بن عبدالملک زیات است و گفته شده است که ابن وحشیه این آثار را از زبان کسدانیان(نبطیان) ترجمه و بر ابن زیات املا کرده است. ابن وحشیه به ادعای برخی از منابع، ساکن بغداد بوده و به پیش‌گویی از راه تنجیم و فالگیری و درمان بیماران از راه طلسم و تعویذ و افسون شهرت داشته است. برخی از عمده‌ترین آثار او: الأدوار الکبیر؛ اسرار الشمس والقمر؛ اسرار عطارد؛ اصول الحکمه /الاصول الکبیر؛ الرئاسه فی علم الفراسه؛ رساله فی معرفة الحجر؛ سدرة المنتهی؛ السموم والتریاقات؛ الشواهد فی الحجر الواحد؛ شوق المستهام فی معرفه رموز الاقلام؛ الطلسمات؛ الفلاحه النبطیه؛ کتاب بالینوس الحکیم؛ کتاب تنکلوشا البابلی فی ↔

کتاب السمومات،[۱] لابن وحشية.

مجموع آخر في النجوم، قطع الثمن.

کتاب طبقانا،[۲] لابن وحشية أيضاً.

مجموع، قطع الثمن، حکمي و نجومي.

مجموع، قطع معمولی، في الطب والنجوم.

مفتاح الحکمة العظمی لابن أميل.[۳]

↔ صور درج الفلک وما تدل علیه من احوال المولودین؛ کتاب طبقانا در نجوم وسحر؛ کشف الرموز وإشارات الحکماء إلی الحجر الأعظم. کنزالحکمه در کیمیا؛ مطالع الأنوار فی الحکمه؛ الواضح فی ترتیب العمل الواضح؛ الهیاکل والتماثیل.

۱. السموم والتریاقات. این کتاب، آن گونه که در پیش‌گفتار آن آمده است، از سوی ابن وحشیه بر ابن زیات املا شده و از دو رساله کلدانی، یکی کهن‌تر و ناقص، تألیف سوهاب ساط، و دیگری جدیدتر و کامل‌تر تصنیف یاربوقا، تشکیل شده است. اما در حقیقت، هسته اصلی کتاب از منبع دوم تشکیل می‌شود و از سوهاب ساط بسیارکم نقل قول دارد. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های شهید علی‌پاشا (شمارهٔ ۲۰۷۳)، ولی‌الدین (شمارهٔ ۲۵۴۲)، ایاصوفیه (شمارهٔ ۳۶۳۹)، لیدن (شمارهٔ ۱۲۸۴) و موزهٔ بریتانیا(شمارهٔ ۱۳۵۷) موجود است. مارتین لِوی این کتاب را در ۱۹۶۶ میلادی با عنوان «کتاب سموم ابن وحشیه و رابطه آن با متون کهن هندی و یونانی» به انگلیسی ترجمه و در لادلفیا منتشر ساخته است.

۲. کتاب طبقانا، در نجوم و سحر است و ظاهراً مجعول است. گفته می‌شود که ابن وحشیه، آن را از نبطی به عربی برگردانده است. اصل نام طبقانا ناشناخته است. از توضیحات ابومسلمه مجریطی که در غایة الحکیم، از این کتاب استفاده کرده است، چنین بر می‌آید که موضوع آن تأثیر صور نجومی بر رویدادهای زمینی است.

۳. ابوعبدالله محمّد بن أمیل بن عبدالله بن أمیل تمیمی کیمیاوی، معروف به حکیم صادق و از بزرگان دانش کیمیای رمزی و باطنی در سدهٔ چهارم. سال‌های زندگی و سرگذشت او چندان روشن نیست، اما سخنان وی در کتاب معروفش الماء الورقی و الأرض النجمیه تا حدودی دوران زندگی‌اش را مشخص می‌سازد. برخی پژوهشگران دوران زندگی ابن امیل را میان سال‌های ۲۸۷ـ ۳۴۹ تخمین زده‌اند. ابن امیل شعر نیز می‌گفته و بسیاری از مطالب و رموز کیمیا را به شعر درآورده است. الماء الورقی و الارض النجمیه، در سده‌های میانه با عنوان «نامه خورشید به هلال ماه» ↔

فصوص الحکم،[1] لشیخنا ﷺ، في مجلّد بخطّي.

مجلّد صغیر في الموالید.[2]

← یا «جدول کیمیایی» به زبان لاتین ترجمه شد و شهرت یافت. متن عربی این کتاب همراه ترجمه لاتین، در سال ۱۹۳۳م در کلکته به کوشش محمّد تراب‌علی در نشریه «گزارش‌های انجمن آسیایی بنگال» چاپ شده است. علاوه بر الماء الورقی، آثار بسیاری از وی باقی مانده است که برخی از آنها از این قرار است: القصیدة النونیه، دربارهٔ حجر الحکما، این قصیده در ۱۹۳۳م. در نشریه یادشده، به چاپ رسید؛ المباقل السبعه؛ المغنیسیه؛ السیرة النقیه؛ المفتاح فی التدبیر؛ مفتاح الکنوز و حل اشکال الرموز؛ مفتاح / مفاتیح الحکمة العظمی؛ شرح الصور و الاشکال؛ الرسالة فی معنی صفات الحجر؛ رسالة الجدول دربارهٔ نسبت فلزات با هفت کوکب؛ رسالة فی کیفیة الانسان؛ رسالة فی معنی الترکیب؛ رسالة فی معنی التزویج.

۱. فصوص الحکم وخصوص الکلم. مهم‌ترین کتاب ابن عربی است که در دمشق و در سنه ۶۲۷ از نگارش آن فارغ شد. نسخه خطی قونوی، اکنون در کتابخانهٔ موزهٔ اوقاف استانبول (ایفکاف موزهسی) به شمارهٔ ۱۹۳۳ نگهداری می‌شود. روی جلد این نسخه سماعی، دست‌خط قونوی و تاریخ ۶۳۰ وجود دارد. قاری و سامع هم قونوی است و مؤلف کتاب (ابن عربی) سماع مزبور را تأئید کرده است. از تاریخ سماع روشن می‌شود که نسخهٔ مزبور قبل از آن و بسیار نزدیک به زمان تألیف استنساخ شده است. مناسب است در اینجا یادداشتی که بر صفحهٔ اول سفر ششم از نسخه اصل فتوحات مکیه کتابت شده است و به نحوی به وجود این نسخه در قونیه در سال ۱۲۷۷ گواهی می‌دهد، است بیاوریم (تصویر این ورقه را در قسمت اسناد آورده‌ایم): «الحمد لله الذي وفّقنا بکتابة الفتوحات المکّیة من الأصل المکتوب بخطّ المصنّف و منشئه رضي الله عنه وأرضاه به منه (بمنّه؟)، وبکتابة فصوص الحکم من الکتاب الذي کتبه بیده الشیخ صدرالدین وقرأه عند شیخه، وبکتابة التنزّلات الموصلیة من الکتاب الذي قرأه الشیخ صدرالدین عند شیخه المصنّف رضي الله عنهما، بعد ما جئنا مهاجراً من البخارا والبلخ مع الأهل والأولاد وجمع الدراویش المریدین، بقونیة المحروسة الیونانیة الرومیة، فی الثانی والعشرین (من) ربیع الثانی سنة ألف و مأتین وأربعة وسبعین. فاشتغلنا بالکتابة والاستکتاب والمقابلة والتصحیح مدّة ثلاثة سنة والحمد لله دائماً سرمداً. الحمد لله وصلّی الله علی محمّد وآله وصحبه وسلّم، وعلی الذین اصطفاه، خامس وعشرین رمضان المبارکة نصف لیلة الجمعة سنة ألف ومأتین وسبعة وسبعین. لله الحمد.»

۲. کتب زیادی با این نام یا در این موضوع به نگارش درآمده و تشخیص اینکه منظور قونوی در اینجا کدام‌یک از آنها است، ممکن نیست. احتمالاً از ابومعشر فلکی بلخی یا ابوبکر حسن بن خصیب است که هر دو از منجمین ایرانی قرون سه و چهار هستند.

کتاب البارع في النجوم،[1] تماماً في مجلّد.

مجموع فیه المحرّر في النحو،[2] للفخر الرازي، وغیر ذلك.

مجموع فیه دیوان الحاجري،[3] و غیره.

دیوان البها زهیر،[4] في مجلّد.

من کتاب الموضوعات لابن الجوزی،[5] النصف الأوّل بخطّ ولده

---

۱. البارع فی أحکام النجوم از علی بن أبی الرجال شیبانی کاتب قیروانی در احکام نجوم وغرائب اسرار آن، وی در آغاز پیرامون بروج وکواکب بحث کرده و تمام احکام نجومی را در هشت جزء پرداخته. این کتاب در قرن ۱۳ میلادی، از عربی به زبان‌های لاتین و عبری، و پس از آن به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و پرتغالی ترجمه شده است. آگاهی دانشمندان غربی از مضامین آن، در پیشرفت علم نجوم و هیئت در اروپا، تأثیر بسزایی داشته است.

۲. المحرر فی حقائق النحو یا المحرر فی دقائق النحو.

۳. دیوان اشعار امیر حسام الدین عیسی بن سنجر ابن بهرام اربلی حاجری (مقتول در ۶۳۲ در حدود ۵۰ سالگی)، که به نام «بلبل الغَرام الکاشف عن لسان الانسجام» و نیز «مسارح الغزلان الحاجریه» هم نامیده شده است. این دیوان یک‌بار در المطبعة الشرقیة مصر در سال ۱۲۸۰ چاپ سنگی و بار دیگر با تحقیق خالد جبر و عاطف کنعان در عمان در سال ۲۰۰۳ میلادی، چاپ حروفی شد.

۴. دیوان أبوالفضل بهاء الدین زهیر بن محمد بن علی ازدی المهلّبی مصری (۵۸۱ـ ۶۵۶). اول بار در کمبریج به تحقیق ادوارد هنری بلومر تصحیح و همراه ترجمه منظوم انگلیسی در سال ۱۸۷۶ چاپ شد و سپس چندین مرتبه در لبنان به طبع رسید که از آن میان دو چاپ دار صادر در سال ۱۹۶۸ میلادی، و دارالمعارف به سال ۱۹۸۲ (با جمع‌آوری و تحقیق محمّد أبوالفضل ابراهیم و محمّد طاهر الجبلاوی) قابل ذکر است.

۵. الموضوعات الکبری، از ابوالفرج جمال‌الدین عبدالرحمن بن علی بن محمّد جوزی قرشی تیمی بکری بغدادی (۵۱۱ـ ۵۹۷)، مورخ، واعظ، مفسر و فقیه حنبلی. گروه بی‌شماری از امامان، حافظان، فقیهان و جز اینان، از وی حدیث شنیده و تصانیفش را بر او خوانده‌اند. ستایش‌های ابن جوزی از اهل بیت ﷺ نظیر ذکر فضایل حضرت علی ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ و ذکر روایاتی در ستایش حضرت امام حسین ﷺ، و نقل حدیث از برخی امامان معصوم، بعضی از بزرگان شیعه را بر آن داشته که در باب شیعه بودن ابن جوزی سخن گویند. کتابی در رد بر مانع لعنت یزید به نام ←

محیی الدین[1] رحمه الله، في مجلّدين.

ديوان ابن مطروح[2]ﷺ، في مجلّد.

شكوك وأجوبة،[3] في مباحث عقلية.

مجموع كبير بخطّ الكمال الإسكندراني(ظ)[4]ﷺ، يشتمل على عدّة كتب.

مجموع، فيه من كلام الشيخ والنفري ﷺ[5] ما.

↔ «الرد على المتعصب العنيد المانع من ذم یزید» نوشته است. وی فصلی از کتاب صید الخاطر را با عنوان «الحق مع علی بن ابی‌طالب» به بیان منزلت والای آن حضرت نزد پیامبر اکرمﷺ اختصاص داده است. از وی سه پسر به نام‌های ابوبکر عبد العزیز، ابوالقاسم علی و ابو محمّد محی الدین یوسف و شش دختر باقی مانده است که همگی از وی و دیگران حدیث شنیده‌اند. کتاب الموضوعات او به وسیله انتشارات دارالفکر بیروت، به تحقیق عبدالرحمان بن محمّد عثمان چاپ و منتشر شده است.

۱. ابومحمد محی الدین یوسف، پسر سوم ابن جوزی.

۲. جمال‌الدین ابوالحسن یحیی بن عیسی بن ابراهیم مصری معروف به ابن مطروح(۵۹۲ـ ۶۴۹)، ادیب، دبیر و سیاستمدار مصری دوره ایوبیان. دیوان او همراه با دیوان ابی‌الفضل العباس بن الاحنف در قسطنطنیه، مطبعة الجوائب، در سال ۱۲۹۸ چاپ شده است.

۳. ناشناخته.

۴. یا العماد الإسکندرانی. ناشناخته.

۵. منظور از مجموع به‌احتمال، همین مجموعه کتابخانه ملک باشد که مشتمل بر آثاری از نفّری و نکات پراکنده‌ای از دیگران است. ابوعبدالله محمّد بن عبدالجبار نِفّری اسکندرانی مصری، متوفی ۳۶۶ از بزرگان متصوفه. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست و در نخستین تذکره‌ها ذکری از وی به میان نیامده است. علت این امر را پیروی نکردن وی از طریقتی خاص یا شیخی مشهور یا تعمد در ناشناس ماندن و ابراز نکردن صریح آرای خویش، به سبب هراس از فضای حاکم بر جامعه پس از ماجرای حلاج، دانسته‌اند. نخستین بار ابن عربی در فتوحات مکیه و مواقع النجوم به او اشاره کرده و صوفیان اندلس نیز در سلسله انساب خود از وی به همراه شبلی و حلاج نام برده‌اند. نفّری آثاری به نظم و نثر از خود بر جای گذاشته است که مهم‌ترین آنها مجموعه المواقف و المخاطبات است. مواقف، مشتمل بر ۷۷ موقف کوتاه و بلند است که جنبه‌های متعددی از تعالیم صوفیه را در بر دارد و به گفته خودش، الهام و املای خدا است. مخاطبات نیز مضامین مشابهی دارد و شامل ۵۶ خطاب است. این دو با شرح و ترجمه آربری، در ۱۹۳۴ م. در قاهره به ↔

مجلّد من نوادر فوائد الحكماء و تواريخهم.

مجموع آخر، فيه تفصيل النشأتين للراغب[1]ﷺ، وفيه غير ذلك.

اقرابادين،[2] مجلّد صغير.

مجموع، فيه كتاب إنشاء الجداول[3] لشيخناﷺ وغير ذلك.

↔ چاپ رسیده است. پل نویا تعدادی از رسالات و اشعار وی را در اثری با عنوان نصوص صوفیه غیر منشوره لشقیق بلخی، ابن عطاء الآدمی و النفّری، در ۱۹۷۳ م. در بیروت منتشر کرده است. جمال مرزوقی و سعید غانمی نیز مجموعه‌هایی از آثار وی را، به ترتیب با عناوین النصوص الکامله للنفّری و الأعمال الصوفیه در مصر و عراق چاپ کرده‌اند.

۱. ابوالقاسم حسین بن محمّد بن مفضل معروف به راغب اصفهانی(متوفی حدود ۴۲۵). در قیاس با شمار آثار و جایگاه علمی و فرهنگی وی در عصر خودش، آگاهی‌های کافی از حیات شخصی و علمی او نداریم. از اوصاف وی چنین برمی‌آید که اهل وعظ و تدریس و تألیف و مناظره بوده و نیز صاحب حسن خَلق و خُلق. بیهقی و شهرزوری درباره راغب می‌نویسند: «از حکمای اسلام بوده و بین شریعت و حکمت جمع نموده و بهره معقول او بیشتر است.» در کشف المحجوب او را از مشایخ طریقت شمرده است. راغب شعر هم می‌گفته و از وی ابیاتی بر جای است. همچنین ۲۳ اثر را بدو منسوب داشته‌اند. برخی از آنها عبارتند از: مفردات غریب قرآن، تفسیر قرآن کریم (جامع التفسیر)، حل متشابهات القرآن (درة التأویل فی متشابه التنزیل)، تحقیق البیان فی تأویل القرآن، إحتجاج القراء، المعانی الأکبر، الرسالة المنبّهة علی فوائد القرآن، رسألة فی الإعتقاد، الذریعة إلی مکارم الشریعة، تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین، کتاب شرف التصوف، رساله تحقیق مناسبات الألفاظ، رساله‌ای در مراتب علوم.

۲. قرابادین (اقرابادین، قراباذین) یا داروسازی یکی از مباحث اصلی در پزشکی سنتی است. در طول سال‌ها تألیفات زیادی در این بخش صورت گرفته است. برخی از مشهورترین آنها عبارتند از: قرابادین جالینوس، قرابادین سقراط، قرابادین شفایی (تألیف مظفر بن محمّد الحسینی شفایی)، قرابادین صالحی(تألیف صالح بن محمّد قاینی هروی)، قرابادین قادری (تألیف میر محمّد اکبر ارزانی)، قرابادین معصومی(تألیف معصوم بن کریم الدین طبیب شوشتری شیرازی)، قرابادین منصوری(تألیف منصور بن محمّد فقیه)، قرابادین سمرقندی(تألیف نجیب‌الدین محمّد بن علی سمرقندی).

۳. إنشاء الدوائر الإحاطیه علی مضاهاة الإنسان للخالق و الخلائق. ابن عربی خود در فتوحات مکیه نام آن را با سه تعبیر ذکر نموده است: إنشاء الدوائر، إنشاء الدوائر والجداول، و إنشاء الجداول والدوائر. در منابع دیگر این اسامی هم استعمال شده: إنشاء الجداول، کتاب الدوائر و الأشکال، و مضاهاة ↔

تفسير الفاتحة،[1] لي من إنشائي.

كتاب فيه مفتاح غيب الجمع،[2] ونفحة الشكور،[3] من إنشائي أيضاً.

مختصر غريب الغزنوي،[4] من تؤاليفي أيضاً.

التنزلات الموصلية،[5] لشيخنا ﵁.

↔ الأكوان فيما يقابلها من الإنسان. از این کتاب، نسخه‌ای که در ۶۶۷ کتابت و بر قونوی قرائت شده در کتابخانه ولی الدین به شماره ۱۶۸۶ موجود است، طبیعتاً این نسخه نمی‌تواند نسخه مورد اشاره قونوی در این فهرست باشد؛ چراکه کتابت آن از تحریر این فهرست متأخر است. این رساله اولین بار توسط نیبرگ به انضمام دو رساله دیگر ابن عربی(عقلة المستوفز، التدبیرات الإلهیة)، در چاپخانه بریل در شهر لیدن در سال ۱۳۳۹ هجری، با حواشی و پاورقی‌های متعدد چاپ شد.

۱. اعجاز البیان فی تأویل ام القرآن / اعجاز البیان یا فی کشف بعض اسرار ام القرآن. نسخه مهمی از آن در کتابخانه کوپرولو به شماره ۴۱ موجود بوده است. این نسخه به خط سعیدالدین سعید فرغانی در ۶۶۹ کتابت شده و دو سال بعد در ۶۷۱ یادداشتی به خط خود قونوی، مبنی بر اجازه روایت آن به کاتب، بر آن نگاشته شده. تصویر یادداشت مزبور را بنگرید در ضمیمهٔ مقالهٔ حاضر.

۲. مفتاح غیب الجمع و الوجود، معروف به مفتاح الغیب.

۳. خواجه نصیرالدین طوسی در یکی از مراسلات خود خطاب به صدرالدین قونوی از کتابی به نام «نفثة المصدور و تحفة الشكو» به عنوان اثری از قونوی نام می‌برد؛ اما عبارت قونوی در اینجا به‌وضوح به صورت «نفحه» خوانده می‌شود و نه «تحفه».

۴. یا «عزیزی». اگر غزنوی باشد، احتمالاً منظور کتاب «جمل الغرائب فی تفسیر الحدیث» است، از نیسابوری غزنوی، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر، ملقب به بیان الحق. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف و کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکرة والتبصرة». (نیز رجوع شود به پاورقی ردیف هفتم از همین فهرست).

۵. التنزلات الموصلیة فی أسرار الطهارات والصلوات والأیام الأصلیة / تنزل الأملاک فی حرکات الأفلاک / تنزل الأملاک من عالم الأرواح والأفلاک. این کتاب در مقام بیان اسرار باطنی عبادات، خصوصاً اجزای وضوء و ارکان نماز است و از ۵۳ باب تشکیل شده است. تألیف کتاب در سال ۶۰۱ در موصل و در طی چند روز به انجام رسیده است. نسخه اصل آن در کتابخانه شیخ مراد به شماره ۱۸۷ نگهداری می‌شود. نسخه خاص قونوی هم در کتابخانه یوسف‌آغا ضمن مجموعهٔ ↔

كتاب مواقع النجوم،[1] لشيخنا ﵁.

مختصر طبيعيات الشفاء[2] في مجلّد.

رسالة كيوان[3]، لعبدالرحمن،[4] في مجلّد.

سرالطبيعة لبليناس،[5] في مجلّد.

↔ شمارهٔ (۴۸۶۱، ص ۱ تا ۲۴) موجود است. نیز رجوع کنید به پاورقی کتاب فصوص الحکم ردیف ۳۵، در همین فهرست.

۱. مواقع النجوم ومطالع أهلة الأسرار والعلوم / سر الأسرار ومنتهی علم الأبرار مسمی به سفر آدم. این کتاب در مرسیه در رمضان ۵۹۵ تألیف و به علی بن بدر حبشی شاگرد مصنف اهدا شده و یک‌بار در قاهره در ۱۳۲۵ چاپ شده است. نسخه‌ای از آن به خط صدرالدین قونوی در کتابخانه یوسف‌آغا به شمارهٔ ۵۰۰۱ موجود است، و در آن گواهی سماع قونوی بر مؤلف و توقیع ابن عربی دیده می‌شود.

۲. ابومنصور حسین بن محمّد بن زیلة اصفهانی، ادیب، حکیم و ریاضیدان بزرگ و از شاگردان ابن سینا(متوفی ۴۴۰) طبیعیات شفا را مختصر کرده است.

۳. شاید قسمتی از صور الکواکب، کتابی به زبان عربی نوشتهٔ عبدالرحمان صوفی رازی ستاره‌شناس ایرانی سدهٔ سوم و چهارم باشد. موضوع این کتاب دربارهٔ نجوم و صور فلکی است. این کتاب، سپس توسط خواجه نصیرالدین طوسی به فارسی برگردانده شد و تا کنون به چندین زبان دنیا ترجمه شده است.

۴. ابوالحسین عبدالرحمان بن عمر بن محمّد بن سهل صوفی رازی(حدود ۲۹۳ـ ۳۷۶). از زندگی شخصی و حتی علمی او آگاهی چندانی در دست نیست. در مقدمه صور الکواکب، خود را شاگرد دانشمندی ناشناخته به نام «استاد رئیس ابوالفضل» در شهر اصفهان می‌داند و در همان شهر منجم دربار عضد الدوله دیلمی بوده است. از صوفی آثار متعددی برجای مانده است که مهم‌ترین آنها کتاب «صور الکواکب» است. از ترجمه فارسی آن به قلم خواجه نصیر طوسی در سال ۶۴۷ نسخهٔ مهمی در کتابخانه ایاصوفیه باقی مانده که به خط خود خواجه می‌باشد و چاپ عکسی آن در سال ۱۳۴۸ به کوشش پرویز ناتل خانلری در مجموعه کتاب‌های بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده. چاپ حروفی نیز به همت آقای بهروز مشیری در سال ۱۳۸۱ به بازار آمده. کتاب‌های دیگری از صوفی نیز در دست است؛ از جمله: سه رساله دربارهٔ کاربرد اسطرلاب، کتابی در علم احکام نجوم و نیز کتابی در تشریح و ساخت کره آسمانی.

۵. بَلیناس (بلینوس یا آپولونیوس تیانائی) حکیم یونان باستان و معروف به صاحب الطلسمات، از ↔

خلع النعلین لابن قسی[1] رحمه الله، في مجلّد.
کتاب الذخیرة لثابت بن قُرّة،[2] في الطب، مجلّد.
شرح الإشارات(ظ)[3] للفخر الرازي، فی مجلّد.

↔ زندگان قرن اول میلادی که آثاری در علوم خَفیه دارد. او یکی از حکمای هرمسی بوده است. متن کامل عربی کتاب العلل یا سر الخلیقة وصنعة الطبیعة، با مقدمه مفصل به آلمانی بـا مشـخصات زیـر منتشر شده است: بلینوس الحکیم، سرالخلیقة و صنعة الطبیعیه (کتاب العلل)، تحقیق اورسولا وایسر، معهد التراث العلمی العربی، جامعه حلب، حلب ۱۹۷۹ م. پل کـراوس تأثیر عـظیم ایـن کتاب را بر جابر بن حیان نشان داده است. بنا به رأی بلیناس، جابر بن حیان تعداد قابل توجهی کتاب درباره موضوعات مختلف نوشته است که قسمت‌هایی از آنها را کراوس منتشر کرده است (جابر بن حیان، متون برگزیده، ۱۹۳۵ م).

۱. خلع النعلین و إلتماس النور من موضع القدمین، از شیخ ابـوالقـاسم احـمد بـن قسـی، صـوفی مشهور اندلسی درگذشتهٔ ۵۴۵. این کتاب را ابن عربی شرح کرده و در ردیف ۱۷ همین فهرست آمده است. عبدالله بسنوی معروف به عبدی افندی (متوفی ۱۰۵۳) و از شاگردان مکتب ابن عربی نیز کتابی دارد به نام خلع النعلین فی الوصول إلی حضرة الجمعین، که نباید با اثر ابن قسی اشتباه شود.

۲. ابوالحسن ثابت بن سنان بن ثابت بن قرّه حرانی صابی، مترجم و فیلسوف و ریاضیدان و منجم و طبیب قرن سوم بود. در منابع از تبحر وی در فلسفه سخن گفته‌اند. با این همه، آثار فلسفی وی، بیشتر در شرح آثار فلسفی یونان است. بیش از صد اثر در ریاضیات، نجوم، مکانیک، منطق، علم النفس، اخلاق، سیاست، طبقه‌بندی علوم، دستور زبان سریانی، موسیقی، پزشکی و دامپزشکی داشته و نسخه‌های شماری از آنها باقی‌مانده است و برخی از آنها نیز تصحیح یا بررسی شده‌اند. از جمله آثار اوست: جوامع کتاب أنولوطیقا الأولی، إختصار القاطیغوریاس و القیاس، جوامع کتاب باری ارمینیاس، کتابی در شرح سماع طبیعی، إختصار المنطق و رسالة فی حل رموز کتاب السیاسة لافلاطون. همچنین دربارهٔ دین صابئی و آداب و مراسم آن نیز رساله‌هایی به سریانی نوشته است. از آثـار پزشکی موجود وی فقط الذخیرة فی علم الطب را مایرهوف بررسی انتقادی کرده است.

۳. نوشته قونوی در این موضع تقریباً غیر قابل قرائت است و آنچه در متن ثبت کرده‌ایم، حدسی است. احتمال حذف حروفی از نوشته (به دلیل صحافی متأخر) هم می‌رود. بعید است شرح ابیات باشد؛ هر چند از فخر رازی دو کتاب در شرح ابیات شافعی و شرح ابیات قزوینی در إیضاح می‌شناسیم، اما آن دو رساله‌های کوچکی هستند که به تنهایی تشکیل یک مجلد واحد را نمی‌دهند. مـطمئناً سـراج القلوب منتسب به او هم نیست. شاید بتوان آن را شرح الکلیات خواند (شرح کلیات قانون ابن سینا) ↔

النحل والملل للشهرستاني،[1] في مجلّد.
مجموعة فیها ترجمان الأشواق،[2] وغیره.
مجلّد فیه مسائل ملتقطة من تفسیر الفخر الرازي.[3]

↔ که آن هم از کتب فخر رازی است. به هر حال شرح الإشارات والتنبیهات ابن سینا در فلسفه، از کتب معروف فخر رازی و از شروح مهم اشارات است که غالباً در مقام نقد آراء و اقوال ابن سینا برآمده و به نوبه خود مورد نقد متأخرین همچون خواجه نصیر طوسی واقع شده است.

۱. در سایر منابع به الملل والنحل موسوم است، و کتابی است بر پایه مذاهب و دیـانات و اعـتقادات ملت‌های مختلف جهان، مخصوصاً در دوران مؤلف. این کتاب که دائرة المعارف مـختصری از ادیان و مذاهب و فرق و آرای فلاسفه است، توسط محمّد بن عبدالکریم شهرستانی به زبان عربی نوشته شده، و مورد اعجاب و تقدیر مردم آن دوران قرار گرفته و به چندین زبان ترجـمه شـده است. الملل و النحل را نخستین بار افضل الدین محمّد بن صدر ترکه اصـفهانی در ۸۴۲ـ ۸۴۳ از عربی به فارسی برگرداند و آن را تنقیح الادلة و العلل فی ترجمة الملل و النحل نامید. مصطفی خالقداد هاشمی نیز در ۱۰۲۰ در لاهور آن را با نام توضیح الملل به فارسی ترجمه کرد. نوح بن مـصطفی (متوفی ۱۰۷۰) نیز آن را به ترکی عثمانی برگرداند. ویلیام کیورتن نخستین بار در ۱۸۴۶ م. متن عربی الملل را در انگلستان منتشر کرد که در ۱۹۲۳ م. در لایپزیگ و پس از آن هم مکرراً تجدید چاپ شد.

۲. مجموعه قصائدی است که ابن عربی در حین سفر حج خود در سال ۵۹۸ در مدح دختری زیبا به نام نظام، سرود. از آنجا که پس از انتشار قصائد، برخی اعتراضات بر الفاظ و مـعانی آن شـد، شاعر برای رد آن اشکالات، در ۶۱۱ در حلب به تألیف کتاب الذخائر والأعلاق فی شـرح تـرجمان الأشواق پرداخت تا معانی باطنی آنها را آشکار گرداند. نخستین بـار در سـال ۱۹۱۱ م. در لنـدن، نیکلسون ضمن مجموعه قصائد فی التصوف به نشر آنها اقدام کـرد. چـاپ دیگـری در ۱۳۲۲ در بیروت از آن در دست است و بعد از آن هم مکرر به طـبع رسـیده است. نسـخه‌ای از تـرجـمان الأشواق در کتابخانه راغب‌پاشا به شماره ۱۴۵۳ موجود است که بی واسطه از دست‌خط ابن عربی استنساخ شده. از الذخائر والأعلاق هم نسخه‌ای در کتابخانه اوقاف استانبول (ایفکاف موزهسی) به شمارهٔ ۱۷۱۳ وجود دارد که منقول از نسخه اصل مصنف است.

۳. تفسیر کبیر فخر رازی یا مفاتیح الغیب از مفصل‌ترین تفاسیر قرآن است که اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم هجری قمری با تکیه بر اصول عقاید اشعری نگاشته شد. تفسیر کبیر، رویکرد عقلانی و کلامی دارد، با گرایش به اصول عقاید اشعری و نقد ائمه معتزلی و کرامیه. تـفصیل کـم‌نظیر و ↔

مجلّد من ترسّل القاضي الفاضل.[1]

كتاب الأفعال لابن القطاع،[2] في مجلّد.

التنقيحات في أُصول الفقه،[3] للسهروردي﵀.

↔ استطراد آرای مفسران و متکلمان، در کنار دقت نظر در مباحث و بکارگیری براهین عقلی از ویژگی‌های بارز این تفسیر است. تفسیر کبیر دائرة المعارفی از علوم مختلف است؛ چنانکه در جای‌جای آن، به مباحث ادبی، لغوی، فلسفی، فقهی، کلامی، طبی، هندسی، هیأت و مانند آن برمی‌خوریم. این تفسیر، بر بسیاری از تفاسیر ادوار پسین، مانند انوار التنزیل بیضاوی و روح المعانی آلوسی تأثیرگذار بوده است.

۱. بیسانی، ابوعلی عبدالرحیم بن علی لَخمی، معروف به قاضی فاضل و ملقّب به محیی الدین یا مجیرالدین، ادیب، منشی و وزیر شافعی در قرن ششم. وی در ۵۲۹ در عسقلان، از شهرهای فلسطین، به دنیا آمد. پدرش قاضی اشرف، قاضی بیسان بود و از این رو قاضی فاضل را بیسانی خوانده‌اند. او را عسقلانی و به سبب مهاجرتش به قاهره، مصری نیز نامیده‌اند. در زمان دولت فاطمیان، به مصر رفت و در آنجا به کتابت انشا نزد ابوالفتح قادوس و دیگران مشغول شد تا در این فن بر تمام ادبای مصر و عراق برتری یافت. قاضی فاضل، علم حدیث را از حافظ ابوالقاسم بن عساکر، ابوطاهر سِلَفی، ابومحمّد عثمانی و ابوطاهر بن عوف و دیگران آموخت، ولی شهرت او بیشتر به سبب انشا و ترسل بود. سُبکی درباره او می‌گوید: در صنعت ترسل قبل و بعد از او کسی همانند او نیامده و مقام او نزد اهل ادب مانند شافعی و ابوحنیفه در میان فقها است. از وی نامه‌ها و یادداشت‌های بسیار باقی است که گفته‌اند مسوّدات آنها به صد مجلد می‌رسد. نامه‌های او در مجموعه‌هایی مانند ترسل القاضی الفاضل، رسائل انشاء القاضی الفاضل و الدّر النّظیم فی ترسّل عبدالرّحیم گردآوری شده است.

۲. ابوالقاسم علی بن جعفر بن علی سعدی صقلی از لغویان، نحویان و ادبای معروف(۴۳۳ـ ۵۱۵). کتاب الأفعال او که فرهنگی آموزشی درباره افعال زبان عربی است، از نخستین فرهنگ‌هایی است که اختصاصاً دربارهٔ افعال تألیف شده است. نخستین بار ابن قوطیه دربارهٔ افعال، کتاب تصاریف الأفعال را تألیف کرد و الأفعال ابن قطاع در واقع متن ویراسته و گسترش یافته اثر ابن قوطیه است و خود وی آن را تهذیب کتاب الأفعال نامیده است. این اثر به کوشش محمّد سورتی، امتیازعلی عرشی و سالم کرنکوی در حیدرآباد دکن (۱۳۶۰ـ ۱۳۶۴) در سه جلد به چاپ رسیده است.

۳. از ابوالفتوح شهاب الدین یحیی ابن حبش بن امیرک سهروردی، ملقب به شیخ اشراق و شیخ شهید. این کتاب به تحقیق و تعلیق عیاض بن نامی السلمی در مکتبة الرشد للنشر والتوزیع عربستان در ۲۰۰۶ م چاپ شده است.

مجلّد صغير طولانى (ظ) فيه من أدعية أهل البيت ومناجاتهم﵊.

كتاب مغيث الخلق في علم الكلام لإمام الحرمين[1] ﵀.

من كتاب الخصيبي،[2] مجلّد.

الوسائل المحمية (ظ)[3] في الطب، في ثلاث مجلّدات.

---

۱. از أبوالمعالی ضیاء الدین عبدالملک بن عبدالله بن یوسف جوینی مشهور به امام الحرمین جوینی، متکلم اشعری، دانشمند و فقیه و اصولی شافعی‌مذهب، و از مدرسین معروف نظامیه نیشابور(۴۱۹ـ ۴۷۸). این کتاب به مغیث الخلق فی إختیار الأحقّ (یا ترجیح قول الحق) هم نامبردار است و کتابی است در اصول فقه و فقه الخلاف که در آن به ترجیح آرای شافعی بر دیگر مذاهب پرداخته است. این کتاب نخست در قاهره در سال ۱۹۳۴ م، و بار دیگر همراه با حاشیه انتقادی شیخ محمّد زاهد کوثری (به نام إحقاق الحق بإبطال الباطل فی مغیث الحق)، به سعی هیثم طعیمی در ۱۴۲۴ در مطبعه عصریه بیروت منتشر شده است.

۲. ابو عبدالله حسین بن حمدان جنبلائی خصیبی، از محدثان و راویان شیعه امامیه در عصر غیبت صغری و مؤلف کتاب مهم الهدایة الکبری است که به سال ۲۶۰ متولد و به اختلاف اقوال در سال ۳۳۴ یا ۳۴۶ یا ۳۵۸ از دنیا رفت و در حلب به خاک سپرده شد. علویان (نصیریه) او را از بزرگان خود می‌دانند، زیرا وی با محمّد بن نصیر رئیس این فرقه مرتبط بوده و او را باب امام دوازدهم می‌دانسته است. بیشترین فعالیت‌های مذهبی خصیبی در شهر بغداد بود که از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به موضع‌گیری او در برابر اسماعیلیه اشاره نمود. پس از آن به شهرهای خراسان و دیلم سفر کرد و سرانجام در حلب نزد امیر سیف الدوله ساکن شد. یکی از شاگردان روایی خصیبی، هارون بن موسی تلعکبری (متوفی ۳۸۵) است که از بزرگان مورد اعتماد شیعه امامیه است. آثار خصیبی در تدوین عقاید نصیریه اهمیتی ویژه دارد. آنان خود را وامدار تعالیم وی دانسته‌اند تا جایی که گاه از این فرقه با نام طریقه خصیبیه یاد کرده‌اند. کتاب‌های زیادی به وی نسبت می‌دهند، ولی خیلی از آنها نام‌های گوناگون یک کتاب است. الهدایة الکبری، یا تاریخ الأئمة، یا الهدایة فی تاریخ الأئمة و معجزاتهم، از کتب معروف او است که بارها چاپ شده. کتاب الأبواب (باب پانزدهم کتاب الهدایة الکبری)، الإخوان والمسائل، أسماء النبی﵌ و الائمه﵈، رسالة التخلیط، کتاب السیاقة، رسالة التوحید (خطاب به علی بن عیسی جسری)، و الرسالة الراست باشیة یا رأسباشیة (خطاب به عضدالدوله دیلمی) از دیگر آثار منسوب به وی می‌باشد.

۳. شاید بتوان «الرسائل النجمیة» یا «الرسائل البحریة» خواند. در هر حال، کتاب مفصل سه جلدی در طب، با هیچ‌کدام از این عناوین شناسایی نشد.

رسالة القشيري،[1] في مجلّد.

كتاب مختلف الرواية في مذهب أبي حنيفة[2] ﵀.

الفصيح لثعلب،[3] في مجلّد.

---

۱. از ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک قشیری نیشابوری(۳۷۶ـ ۴۶۵)، از عارفان بزرگ ایران در قرن پنجم هجری. این رساله معروف تا به حال بیش از ده بار چاپ شده. از نسخ قدیمی آن دستنوشته‌ای است با شماره ۷۱۰۲ در کتابخانه یوسف‌آغای قونیه که حدوداً پنجاه و هفت سال بعد از وفات مؤلف در روز پنجشنبه ۹ ماه رمضان سال ۵۲۲، به دست علی بن ابی القاسم بن محمّد بن خلف کتابت شده است. مؤلف از ابوحسین خفاف و ابونعیم اسفراینی و ابوعبدالرحمن سلمی و دیگر ارباب حدیث و بزرگان صوفیه، حدیث شنیده و فقه را از ابوبکر محمّد بن بکر طوسی و علم کلام را از ابوبکر بن فورک آموخته و تصوف را از ابوعلی دقاق نیشابوری فرا گرفته. در علوم تفسیر و تصوف آن قدر شهرت یافت که زین الاسلام و شیخ المشایخ و مقدم طایفه لقب گرفت. پس از وفات ابوعلی دقاق با ابوعبدالرحمن سلمی معاشرت کرد و عاقبت استاد خراسان گردید. برخی از تألیفات او: الرسالة القشيرية، آداب الصوفيه، لطايف الإشارات، التحبير فی التذكير، الأربعين، التفسير الكبير.

۲. از تألیفات ابوالفتح علاءالدین محمّد بن عبدالحمید أُسمندی سمرقندی حنفی (۴۸۸ ـ ۵۵۲). سمرقندی در این کتاب علاوه بر بررسی روایات اختلافی میان ابوحنیفه، ابویوسف، شیبانی و زفر بن هذیل، آنها را با روایات شافعی و مالک بن انس نیز تطبیق داده است. بخش أبواب العبادات آن در کویت (وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، ۱۴۰۷)، با تحقیق عیسی زکی عیسی چاپ شده. از دیگر آثارش طريقة الخلاف فی الفقه بين الأئمة الأسلاف، مناقب الإمام أبي حنيفة، منظومة الخلافيات، بذل النظر فی الأصول، و لباب الكلام، قابل ذکر است.

۳. ثَعلَب، ابوالعباس احمد بن یحیی شیبانی بغدادی (۲۰۰ ـ ۲۹۱)، پیشوای کوفیان در نحو و لغت و از راویان شعر عرب است. او ایرانی الاصل و از مَوالی (آزادشدگان) بنی شَیبان بود. کتاب الفصيح، معروف به فصيح ثعلب، یا آن گونه که خود در آغاز آورده است اختيار فصيح الكلام، دربارهٔ مسائل لُغوی و ضبط و معنای درست یا فصیح‌تر واژه‌ها است. این کتاب از مهم‌ترین آثار لغوی در زبان عربی است و در سدهٔ چهارم شهرت یافت. شرح‌ها و تعلیقات و تکمله‌ها و نقدهای فراوانی نیز بر آن نگاشته‌اند. نخستین‌بار در ۱۸۷۶ م در لایپزیگ با تصحیح فون بارت چاپ شد، سپس محمّد امین خانجی در ۱۳۲۵ آن را در قاهره به طبع رساند و پس از او عبدالمنعم خَفاجی در ۱۳۲۸ در قاهره منتشرش نمود.

مجموع من كلام أهل الطريق في الحروف، وغير ذلك.

مجموع صغير مثله.

مجموع في الحكمة، في السماء والعالم.

مجموع فيه كتاب المنقذ من الضلال.[1]

مجلّد برِقّ،[2] فيه مسائل طبية، وغيرها.

مجلّد آخر برِقّ، فيه أيضاً مسائل طبيّة ومعالجات.

مجموع يشتمل على جغرافيا،[3] وترسّلات منتخبة، وغير ذلك.

ديوان عرقلة.[4]

---

۱. المنقذ من الضلال یکی از آخرین تألیف‌های امام محمّد غزالی است. او در اینْ کتاب سرگذشت خویش را نگاشته و ابتدا کلام، فلسفه و مذهب باطنی را رد کرده و سپس تنها راه نجات را پیروی از تصوف ذکر می‌کند. غزالی در این کتاب به دنبال ذکر کامل دلائل و مجادلات مفصل با فلاسفه و باطنیه و دهریه نیست، و آن مباحث را در کتب قبلی مانند تهافت الفلاسفه و القسطاس المستقيم و المستظهری و الرد علی الباطنية آورده است. در این کتاب که بیشتر لحن خطابی دارد، به شرح احوال و سرگشتگی و حالات درونی خود می‌پردازد. بارها چاپ شده و از آخرین طبع آن همراه با ترجمه سید ناصر طباطبایی است که انتشارات مولی نشر داده است.

۲. نوشته شده بر پوست نازک.

۳. شاید کتاب جغرافیای بشر بن غیاث مریسی حنفی درگذشته ۲۱۹ باشد. در یکی از مکاتبات قونوی خطاب به قاضی محیی الدین عبارتی آمده است که شاید اشاره به همین نسخه و نسخه البارع مذکور در ردیف ۳۷ باشد: «... ولو لا اعتقاد الداعي انّ النسختين المعلومتين من البارع والجغرافيا، اللتان اختارهما المولى وأضاف إليهما عروض البلدان وأطوالها، بعد مشاهدة الجميع أنّها باقية في الخدمة، لم يقدم على هذا التكليف والإبرام. ولطف المولى والمعهود من تفضله، كفيلان بإنالة كلّ مطلوب، وإسبال ذيل المسامحة على سائر العيوب. وعلى الجملة فالخادم ينتظر إتمام الإنعام لحصول ما التمس وتقدّم الأمر بتصحيح النسخ...» (النفحات الالهية قونوی، تصحیح محمّد خواجوی، تهران، مولی، ۱۳۷۵، ص۲۱۸)

۴. عرقلة الأعور، أبوالندى حسان بن نمير بن عجل كلبى دمشقى (۴۸۶ ـ ۵۶۷)، از نزدیکان صلاح الدین ایوبی. دیوان وی در دمشق، مجمع اللغة العربية، به سال ۱۳۹۰ و به تحقیق احمد الجندی چاپ شده.

مجموع فيه ذكر أحوال الرئيس ابن سينا وبعض تؤاليفه.

التفهيم لأبي الريحان،[۱] مجلّد.

مجلّد رِقّ، فيه ذكر ابتداء نشيء العالم على رأي بعض القدماء.

مجلّد فيه نحو ثلثَي الرسالة القشيري.[۲]

شمائل النبي[۳] ﷺ.

شرح المحصّل للقطب المصري.[۴]

---

۱. التفهيم لأوائل الصناعة التنجيم، کتابی است به زبان فارسی که ابوریحان بیرونی در ۴۲۰ به نام ریحانه دختر حسین خوارزمی نوشته و هفتاد سال پس از مرگش، محمّد بن جورابی آماده و پاکنویس کرده است. التفهیم، تا جایی که می‌دانیم نخستین کتاب فارسی است که در مورد ستاره‌شناسی و هندسه و حساب نوشته شده و همچنین تنها کتاب فارسی موجود از ابوریحان بیرونی است. متن عربی این کتاب نیز موجود است، ولی اینکه متن فارسی، ترجمه متن عربی است یا بـه عکس، دقیقاً مشخص نیست. از متن فارسی نسخه‌ای خطی مورَّخ ۵۳۸، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. متن عربی التفهیم را نخستین‌بار در ۱۹۳۴ م، رمزی رایت به صورت عکسی همراه ترجمه انگلیسی آن چاپ کرد. متن فارسی را نیز جلال الدین همایی در ۱۳۱۸ ش. با مقدمه و توضیحات مفصّل در تهران منتشر نمود. در این چاپ، کتاب برای نخستین‌بار به پنج باب (با احتساب بخش مربوط به اسطرلاب به عنوان باب مستقل) تقسیم شده، اما چاپ عربی هیچ‌گونه تقسیم‌بندی بر اساس باب ندارد. نیز در ۱۳۵۲ ش، عاصم‌اُف متن فارسی را بـه خط سیریل تاجیکی در شهر دوشنبه چاپ کرد. در ۱۳۵۴ ترجمه روسی روزنفلد و احمداُف از التفهیم در تاشکند منتشر شد.

۲. به پاورقی مربوط به ردیف ۷۱ رجوع شود.

۳. دو اثر مشهور در این باب از محمّد ترمذی متوفی ۲۷۹، و جعفر مستغفری متوفی ۴۳۲ در دست است. البته به افراد دیگر از جمله ابن عربی هم کتاب‌هایی به این نام منسوب است (ر.ک: عثمان یحیی، مؤلفات ابن عربی تاریخها و تصنیفها، ص۳۹۶).

۴. کتاب محصّل أفکار المتقدمین و المتأخرین از فخر رازی است کـه مـورد اهـتمام و تـوجه عـلمایی همچون قطب الدین مصری، نجم الدین دبیران کاتبی قزوینی، ابن کمّونه، ابن خـلدون، عـصام إسفراینی، أبی حامد شبلی و خواجه نصیر طوسی بوده است. بخش قابل توجهی از این شروح، به صورت مخطوط، در کتابخانه‌های ترکیه مخزون است. نخستین شرحی که بر المحصّل شناخته ↔

مختصر ديوان شيخنا[۱] ﷺ، في مجلّدين.

مجموع فيه نُسخ برشعثا،[۲] والأدوية القلبية،[۳] وغير ذلك.

محاضرة الأبرار،[۴] في ثلاث مجلّدات، لشيخنا ﷺ.

↔ شده، شرح قطب الدین ابو الحارث ابراهیم بن علی بن محمّد السُلَمی الطبیب المصری (مقتول به سال ۶۱۸ در نیشابور) از مهم‌ترین شاگردان رازی است. این شرح هر چند متأسفانه نـاقص است، اما شرحی است تفصیلی و بسیار مفید، و نسخه خطی آن به خط علی بن عمر بـن عـلی القزوینی (نجم الدین دبیران کاتبی) با رقم کتابت ربیع الآخر سال ۶۲۵ در دمشـق، در کـتابخانه راغب‌پاشا، به شمارهٔ ۷۹۲، موجود است. از قطب الدین مصری شرحی هم بر مشکلات کـتاب قانون ابن سینا گزارش شده.

۱. دیوان الشیخ الأکبر، یا دیوان المعارف الإلهیة واللطائف الروحانیة، یا دیوان المرتجلات. ظاهراً ابن عربی از سرایش جزء آخر در ۱۳ ذی الحجه ۶۳۴ در دمشق فارغ گردیده است(نسخه أسـعد أفـندی، شماره ۲۶۹۴). دو جلد مذکور در فهرست قونوی اکنون در کتابخانه یوسف‌آغا، به شماره‌های ۵۵۰۱ و ۵۵۰۲ محفوظ است، و هر دو جلد به خط ابن عربی است. این دیوان اول بار در قاهره در ۱۲۷۰، و سپس در بمبئی و بیروت چاپ شده.

۲. «برشعثا» یا «برء الساعه» و «نافع فی الحال»، دارویی است مرکب و به صورت شربت که ساخت آن را به حکیم ابوالبرکات نسبت می‌دهند. از این دارو برای تسکین سریع و قوی استفاده می‌شود؛ خصوصاً در دردهای کلیوی ناشی از وجود سنگ. ابن اللبودی را مقاله‌ای است به نام «مقالة فی البرشعثا».

۳. کتاب ادویه قلبیه از جمله آثاری است که بنا بر نظر بسیاری از مورخین، نگاشته ابـن سـینا است. نگارش این اثر به پیروی از نظریه ارسطو است. وی بر این باور است که همه قوا و ارواحی که بر جسم انسان سیطره دارند از قلب منشأ می‌گیرند. ابن سینا نیز بـا پـذیرش ایـن نـظریه دست بـه نگارش رساله‌ای پیرامـون ادویـه قـلبی زده است و از ایـن رو در ایـن اثـر از روح و مـنشأ آن و چگونگی استقرار آن در اعضا سخن می‌گوید. این کتاب به خواهش شخصی به نام شریف ابـو الحسین بن علی بن حسین حسینی نگاشته است. در معرفی این اثر مؤلف در کتاب القانون فی الطب می‌گوید: «إنّ لنا فی الأدویه القلبیه مقالة مفردة إذا جمع الإنسان بین معرفته بالطبّ و معرفته بالأصول، أی الفلسفة و العلوم الطبیعیة، التی هی أعم من الطب، إنتفع بها.» این اثر به فارسی نیز ترجمه و با نام تفریح القلوب، به همت مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی و مکمل در سال ۱۳۸۳ ش، چاپ شده است.

۴. محاضرة الأبرار ومسامرة الأخیار / المسامرات فی التصوف / کتاب المحاضرات والمسـامرات. در قـاهره در سال ۱۲۸۲، ۱۳۰۵ و ۱۳۲۴ چاپ شده است.

مغاني المعاني فی معرفة الشعر لزین الدین الرازي.[1]

مجلّدین من رسائل إخوان الصفاء،[2] أحدهما قطع الربع، والآخر ثمنی.

الصحیفة الغرّاء،[3] في مجلّد.

ریاض الأنس[4] في الوعظ، في مجلّد.

المُلَح واللُّمَح[5] في المکاتبة(ظ)،[6] في مجلّد.

---

۱. از زین الدین ابوعبدالله محمّد بن ابی‌بکر بن عبد القادر رازی حنفی صوفی زنده بـه سـال ۶۶۶. این کتاب که در اختیارات شعری است، به تحقیق محمّد زغلول سلام در «منشأة المعارف» چاپ شده. مؤلف در علوم مختلف ادب، لغت، فقه، حدیث ، تفسیر، و تصوف صاحب نـظر بـوده و مدتی در قونیه با صدر الدین قونوی مصاحبت داشته و بسیاری از تألیفات قـونوی را از وی استماع کرده است. این عناوین در زمره آثار او محسوب است: هدایة الاعتقاد، التوحید، غریب القرآن، روضة الفصاحة، کنوز البراعة در شرح مقامات حریری، ترتیب صحاح جوهری، تاریخ خلفاء، حدائق الحقائق در موعظه، دقائق الحقائق در تصوف، کنز الحکمة در حدیث، مغانی المعانی.

۲. رسائل إخوان الصفا وخلان الوفا وأهل العدل وأبناء الحـمد، دائـرة المـعارفی بـزرگ شـامل ۵۲ رساله، نوشته نویسندگانی ناشناس از جمعیت إخـوان الصـفا است کـه احـتمالاً از قـرمطیان یـا اسماعیلیان بوده‌اند. مؤلفانِ اثر هویت خود را عمداً پنهان نگه داشته و تاریخ دقیق پدیدآمدن آن نیز نامعلوم است. اثر پیرامون موضوعات مـختلف از دیـن و هـندسه و مـوسیقی و جـغرافیا و حساب تا اخلاق و جادو و غیره است. خلاصه مهمی از کل اثر در آخرین رساله به نام الرسالة الجامعة آمده است. نخستین چاپ کامل این رسائل در چهار جلد، در ۱۳۰۳ـ ۱۳۰۶ به کوشش نورالدین بن جیواخان در بمبئی منتشر شد. این چاپ هرچند انتقادی نیست، ولی کم‌وبیش متن قابل اعتمادی است. در ۱۳۰۶، شیخ علی یوسف، بخش یا جلد اول رسائل را در قاهره منتشر کرد. در ۱۳۴۷ چاپ دیگری از رسائل، در چهار جلد با دو مقدمه از احمد زکی‌پاشا و طه حسـین در قاهره منتشر شد. سرانجام در ۱۹۵۷م مجموعه رسائل در ۴ جلد در بیروت انتشار یافت.

۳. شاید منظور «صحیفه سجادیه»، جامع ادعیه امام سجاد ؑ باشد.

۴. شاید از تألیفات امام ابی سعید حسن بن علی مطوّعی واعظ باشد. طبیعتاً کتاب ریاض الأنس فی علم الرقائق وسیر أهل الحقائق، از عبد الرحمن بن محمّد بن مخلوف أبو زیـد الثـعالبی الجـزائـری المالکیّ نیست؛ زیرا او در ۸۷۵ فوت کرده است.

۵. از ثعالبی دو کتاب با عناوینی قریب به این کتاب می‌شناسیم: ملح البراعة و المُلَح والطُرَف. همچنین کتاب فسخ الملح، ونسخ اللمح، از ابن رشیق (متولد ۳۹۰) که در ذم ابن شرف قیروانی نوشته است.

۶. یا «فی المطائبة».

أدب الکاتب،[1] في مـجلّد، وعـلیه خـطّ التـاج الکـندي،[2] قـرأه عـلیه المـنتجبُ الهمذاني،[3] رواه له عن الجوالیقي[4] ؒ.

دیوان الأدب، ۳(ظ) مجلّد.[5]

الملخَّص في الحکمة،[6] في مجلّد.

---

۱. از ابن قتیبه دینوری یا ابن الأنباری. از آنجا که تاج کندی این نسخه را از جوالیقی روایت کرده و جوالیقی هم شرحی بر ادب الکاتب ابن قتیبه دارد، احتمال نخست، قوی‌تر است.

۲. ابوالیمن تاج الدین الکندی زید بن الحسن بن سعید بغدادی مقری نحوی(۵۲۰ـ ۶۱۳). از بزرگان علمای ادب و قرائت و نحو و سایر فنون ادبیه. در بغداد به دنیا آمد و پس از چندی به دمشق رفت و در آنجا ساکن شد و هم در آنجا وفات یافت و در دامنه کوه قاسیون در خاک شد. گروهی بسیار از مشایخ را دیدار کرده است؛ از جمله: شریف ابوالسعادت سنجری و ابومحمّد بن خشاب و ابومنصور بن جوالیقی.

۳. الإمام المنتجب بن أبی العز بن رشید، منتجب الدین أبـو یـوسف الهـمذانـی الشـافعی (مـتوفی ۶۴۳). عالم ادیب نزیل دمشق و صاحب کتاب الدرة الفریدة فی إعراب القرآن المجید در شرح شاطبیة (در علم قرائت) است.

٤. ابومنصور موهوب بن احمد جَوالیقی بغدادی یا ابن جوالیقی (٤٦٥ ـ ٥٣٩)، ادیب، لغوی و نحوی که شرحی بر ادب الکاتب ابن قُتَیبه دینوری دارد. وی گاه یک سطر ادب الکاتب را در چند صفحه با ذکر مباحث صرفی و نحوی و لغوی و شاهد آوردن از اشعار عربی، توضیح داده و گـاهی تکـمله‌ای بـر مطالب افزوده است. این کتاب با مقدمه مصطفی صادق رافعی در ۱۳۱۰، در قاهره چاپ شد.

۵. یا «دیوان الأدب فی مجلد». کتابی معروف است در سه جزء از ابو إبراهیم إسحاق بن إبراهیم بن الحسین الفارابی (متوفی ۳۵۰). دیوان الأدب، اولین معجم عربی، به حسب أبنیه و ریشه کـلمات است. به همین دلیل مورد اعجاب و تأسی متأخرین واقع شده است، و به شرح یـا تـلخیص آن پرداخته‌اند. یاقوت در معجم الأدباء نوشته است، نسخه‌ای از این کتاب را به خط جوهری صاحب صحاح دیده که آن را در ۳۹۶ کتابت نموده، و در آن ذکر کرده که جوهری پیشتر کتاب را در فاراب بر مؤلفش قرائت نموده. می‌دانیم که جوهری پسر خواهر ابو ابراهیم فارابی بوده است. این کتاب به تحقیق أحمد مختار عمر، در ۱۹۷۹ م، در مجمع اللغة العربیة قاهره چاپ شده است.

۶. الملخص فی المنطق والحکمه، از فخرالدین رازی. این کتاب به شیوه اشارات بوعلی و در سه دانش منطق، طبیعی و الهیات است. قسمت منطق آن با نام «منطق الملخص» ، با تصحیح و مقدمهٔ دکتر

الإشارات لابن سينا، نسخة ثانية، في مجلّد، قطع الثمن.

المفصل للزمخشري،[1] في مجلّد.

البدؤ (كذا) والتاريخ للبلخي،[2] في مجلّد.

↔ احد فرامرز قراملکی انتشار یافته است. نجم الدین دبیران کاتبی قزوینی، شرح مفصلی بر این کتاب به نام المنصص نگاشته است. نسخه کاملی از آن در کتابخانه مجلس شورا جزء مجموعه طباطبایی به شمارهٔ ۸۵۶ و نسخه دیگری در کتابخانه ملک به شمارهٔ ۱۱۱۹ وجود دارد. اثیرالدین ابهری نیز بر آن حواشی دارد که حاجی خلیفه در کشف الظنون از آن نام می‌برد.

۱. المفصل فی صنعة الإعراب، یا المفصل فی النحو، و المفصل فی علم العربیة، تألیف ابوالقاسم جار الله محمود بن عمر بن محمّد زمخشری (۴۶۷ـ ۵۳۸). زمخشری در فقه، حنفی و در اصول و کلام، معتزلی مذهب بود. به سبب اقامت دو ساله‌اش در مجاورت خانه خدا به جار الله شهرت یافت و تفسیر کشاف را نیز در همین ایام نوشت. وی در بسیاری از علوم زمان خود همچون کلام، تفسیر، حدیث، ادب، اشتقاق، صرف و نحو، و معانی و بیان، صاحب‌نظر و دارای تألیفات است. وی پس از بازگشت از مکه در جرجانیه درگذشت. المفصل اثری فاخر و ارزشمند در بیان قواعد زبان عربی است، و به قلمی رسا و بیانی شیوا، در سال ۵۱۵، به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در تألیف کتاب بعد از ارائه نظر خود، به نقد و بررسی دیدگاه دو مکتب کوفه و بصره می‌پردازد و به دلیل تمایلش به مدرسه بصره، در بیشتر مواقع نظرات کوفیان را ضعیف شمرده و مذهب بصریین را با آوردن شواهدی از آیات قرآن کریم و اشعار مختلف تقویت می‌نماید. از زمان تألیف کتاب، نام و آوازه آن در مراکز علمی و آموزشی بلند بوده است تا جایی که علاوه بر شرح مؤلف، در حدود بیست و یک شرح مختلف نیز بر آن نوشته‌اند؛ همچون: التخمیر، نوشته قاسم بن الحسین خوارزمی (م ۶۱۷)، المحصل از ابوالبقاء عبدالله بن ابی عبدالله الحسین العکبری (م ۶۱۶)، شرح المفصل فی صنعة الاعراب از ابوالبقاء بن یعیش (م ۶۴۳) و المفضل از علی بن محمّد بن عبدالصمد سخاوی (م ۶۴۳).

۲. البدء والتاریخ، از ابوزید احمد بن سهل بلخی (متوفی ۳۲۲ یا ۳۴۰)، از اعلام مورخین و ادبا و حکما. از آثار او است: صورة الأقالیم الإسلامیة، أقسام العلوم، شرائع الأدیان، السیاسة الکبیر، السیاسة والکنی الصغیر، الأسماء والکنی والألقاب، فضائل بلخ. این کتاب در نسخه خطی کتابخانه داماد ابراهیم‌پاشا استانبول، همان نسخه‌ای که اساس طبع کلمان هوار در فرانسه قرار گرفته و در ۶۲۲ کتابت شده، به ابوزید بلخی منتسب است. همچنین قونوی در این فهرست و ابن وردی (متوفی ۸۵۲) در خریدة العجائب و به تبع او حاجی خلیفه در کشف الظنون، کتاب را از او دانسته‌اند. اما از آنجا که تاریخ وفات بلخی مردد بین ۳۲۲ یا ۳۴۰است، و در مقدمهٔ کتاب، عبارتی ↔

دیوان التهامی،[1] في مجلّد.

دیوان...[2]

↔ مشعر بر تألیف آن در سال ۳۵۵ است، لذا انتساب آن به بلخی، مشکوک است. از سوی دیگر عده‌ای از مورخین و مؤلفین در برخی از مصادر، از قبیل ابو منصور ثعالبی (متوفی ۴۲۹) در کتاب غرر اخبار ملوک الفرس و ابوالمعالی محمّد بن عبد الله فارسی در بیان الأدیان (تألیف شده در ۴۸۵)، و قاضی منهاج الدین عثمان سراج جوزجانی در طبقات ناصری (تألیف ۶۵۸)، و فخر الدین داود بناکتی در روضه اولی الألباب فی معرفة التواریخ والأنساب (تألیف ۷۱۷)، مؤلف آن را ابو نصر مطهر بن طاهر مقدسی سیستانی (متوفی بعد از ۳۵۵) دانسته‌اند. البدء والتاریخ ابتدا در فرانسه، بین سال‌های ۱۸۹۹ـ ۱۹۱۹م، با تحقیق و تعلیق مستشرق شهیر، کلمان هوار، در شش جزء به طبع رسید. پس از آن مکتبة المثنی در بغداد و دیگران، آن را به طریق افست تجدید چاپ کردند. ترجمه فارسی آن هم به نام «آفرینش و تاریخ»، با مقدمه و تعلیقاتی نافع به قلم استاد محمّدرضا شفیعی کدکنی، در دو جلد، در ایران به همت نشر آگه، به سال ۱۳۷۴ منتشر گردید.

۱. أبو الحسن علی بن محمّد بن فهد تهامی یمنی(ـ ۴۱۶). وی از شاعران مشهور بود که در یمن متولد شد؛ هر چند اصالتش مکی است. خود را گاهی به علویان و زمانی به امویان منتسب می‌نمود. به شام و عراق و جبل سفر کرد. مدتی صاحب ابن عباد را مدح کرد و به معتزله گروید. سپس عهده‌دار وعظ و خطابه در جامع رمله در فلسطین گردید. حرّ عاملی، تهامی را شاعری شیعی معرفی کرده است. ذهبی او را معتزلی دانسته، اما تأکید می‌کند که مردم او را علوی می‌دانند. وی قصایدی نیز در مدح اهل بیت ﷺ دارد. تهامی در سال ۴۱۶، در زمان استیلای فاطمیان بر مصر، مخفیانه به آنجا رفت. وی حامل نامه‌هایی از جانب حَسان بن مُفرّج امیر رمله، برای بنی قُرّه بود، اما به سبب خیانت بعضی دوستانش، رجال حکومتی مصر مطّلع شدند و او را در بیست وششم ربیع الآخر همان سال در زندان خزانة البنود قاهره حبس کردند و در نهم جمادی الاولی به قتل رساندند. او شاعری فصیح بود و وی را دیوان کوچکی است. تازگی تعابیر، روانی بیان و شمول مطالب از ویژگی‌های شعر اوست. از اشعار مشهورش قصیده‌ای است در رثای فرزندش، با این مطلع: حکم المنیة فی البریة جارِ / ما هذه الدنیا بدار قرارِ.» این بیت نیز از همان قصیده، ضرب المثل شده است: «جاورت أعدآئی وجاور ربه / شتّان بین جواره وجواری.» دیوانش نخست در(۱۸۹۳ م) در اسکندریه و سپس در دمشق(١٩٦٤ م) به کوشش زهیر شاویش به چاپ رسید. یکی از آخرین چاپ‌های آن، با تحقیق محمّد بن عبد الرحمن الربیع، در سال ١٤٠٢ در مکتبة المعارف است.

۲. در این موضع دو کلمه خوانده نشد. شاید دیوان الرضی ابوالحسن محمّد بن الحسین بن موسی، ↔

الکلّیات،[1] في مجلّد.

دیوان المتنبي،[2] في مجلّد.

کتاب البعث والنشور للبیهقي،[3] في مجلّد.

خواص الأعداد والأوفاق بخطّ والدي[4] ﵀.

کتاب علوم الحدیث لابن الصلاح،[5] في مجلّد.

↔ معروف به سید رضی یا شریف رضی، از علمای شیعهٔ قرن چهارم، و گردآورنده نهج البلاغه باشد؛ یا دیوان «التنوخی... قاضی ابو علی محسن بن علی بن محمّد بن أبی الفهم داود التنوخی البصری، از علماء و أدباء و شعراء، و صاحب الفرج بعد الشدة (۳۲۷_ ۳۸۴).

۱. کتاب کلیاتِ معروف، تألیف أبوالبقاء ایّوب بن موسی حسینی کَفَوی (۱۰۲۸_ ۱۰۹۵) است، که از ادبا، لغویان و فقیهان حنفی بوده است. قاعدتاً به دلیل تأخر زمانی، ممکن نیست که نسخه‌ای از آن در کتابخانه قونوی وجود داشته باشد. شاید منظور الکلیات فی الطب، تألیف ابن رشد اندلسی (متوفی ۵۹۵)، و از مهم‌ترین نگاشته‌های طب سنتی باشد.

۲. ابو طیب احمد بن حسین متنبّی (۳۰۳_ ۳۵۴)، شاعر و ادیب و مدیحه‌سرای نامدار عرب در قرن چهارم، در دوران خلافت عباسی بود. متنبی شیعه بود و با سیف الدوله حمدانی و خاندان حمدانی‌های شیعه در حلب مرتبط بود، و اشعار بسیاری در مدح آنها سروده. وی از بزرگ‌ترین شاعران تاریخ عرب است و هیچ شاعری در بین اعراب، دیوانش مانند دیوان متنبی و شعر او مورد نقد و استقبال واقع نشده است.

۳. از حافظ ابوبکر أحمد بن الحسین بن علی بن موسی خسروجردی خراسانی بیهقی (۳۸۴_ ۴۵۸)، محدث و فقیه شافعی. از کودکی به تحصیل علم و حفظ احادیث مبادرت کرد و در حدیث از شاگردان بزرگ و برجسته حاکم نیشابوری بود. شمار شیوخ و اساتید وی را افزون از صد تن دانسته‌اند که همگی از بزرگان قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم بودند. کتاب البعث و النشور مشتمل بر آیات و اخباری است درباره معاد. این اثر در کویت و نیز در لبنان (به تصحیح عامر أحمد حیدر، مرکز الخدمات والأبحاث الثقافیة، بیروت، ۱۴۰۶) به چاپ رسیده است.

۴. مجد الدین اسحق بن محمّد بن یوسف بن علی قونوی رومی.

۵. حافظ ابو عمرو تقی الدین عثمان بن صلاح بن عبدالرحمن کردی شهرزوری الشرخانی دمشقی معروف به ابن صلاح (۵۷۷ _ ٦٤٣). کتاب «مقدمه» قبل از اینکه اثر تألیفی باشد، اثر املایی است؛ یعنی ابن صلاح، جزوات درسی خود را به شاگردان املا کرده و سپس مقدمه‌ای بر آن نوشته است. از آنجا که ↔

المفصل للزمخشري، مجلّد، نسخة ثانیة.

نحو ابن الحاجب،[1] وغیره في مجلّد.

مختصر الکشّاف (ظ)،[2] کراریس.

↔ این کتاب مقدمه‌ای برای حدیث‌شناسی است، آن را «مقدمه» نامیده‌اند. این کتاب، مکرر چاپ شده است؛ از جمله با تحقیق و تعلیق مصطفی دیب البغا، در دمشق، مطبعة الصباح، در سال ١٤٠٤.

۱. ابن حاجب، ابوعمرو جمال الدین عثمان بن عمر (۵۷۰_ ۶۴۶)، نحوی و فقیه مالکی. وی در اسنا(شهری در منطقه صعید مصر) دیده به جهان گشود، و در قاهره قرائات هفتگانه را نزد ابوالجود غیاث بن فارس لخمی، التیسیر و الشاطبیه را نزد شاطبی و نیز قرائات مختلف را به طرق المُبهج سبط خَیاط نزد شهاب غزنوی آموخت. فقه را از ابومنصور ابیاری و ابوالحسین بن جبیر، و شفا را نزد امام شاذلی درس گرفت. همچنین نزد ابن البناء، ابوالقاسم بوصیری، اسماعیل بن یاسین و دیگران ادب عربی و حدیث فرا گرفت. ابن مالک وی را در نحوْ شاگرد زمخشری دانسته است. از این روایت و نیز از شرحی که او خود بر المفصل زمخشری نوشته، درمی‌یابیم که وی به این کتاب عنایت خاصی داشته است و دست‌مایه علم خود را در نحو از آن برگرفته است. الامالی ابن حاجب، سراسر دارای تاریخ است و تاریخ کهن‌ترین مجلس آن ۶۰۹است و از آنجا که وی در این تاریخ حدود ٤٠ سال بیش نداشته، می‌توان دریافت که در اواسط عمر به تسلط در نحو، فقه و اصول شهرت بسیار داشته و در مدرسه فاضلیه قاهره به تدریس مشغول بوده است. طالبان علم از هر سو برای آموختن صرف و نحو و قرائات نزد وی شتافتند. در اواخر عمر از قاهره رخت بربست و رو سوی اسکندریه نهاد تا در آنجا اقامت گزیند. اقامت او در اسکندریه دیری نپایید و همان‌جا در ٢٦ شوال ۶۴۶ درگذشت و در بیرون باب البحر نزدیک مقبره ابن ابی شامه به خاک سپرده شد. هر چند ابن حاجب به نحودانی مشهور است، اما ارجمندی مقام او را در فقه و اصول نباید از یاد برد. ابن حاجب شهرت فراگیرش را مدیون آثار نحوی خود، به ویژه الکافیه است. این کتاب از همان آغاز در بیشتر کشورهای اسلامی شهرت یافت و بسیاری به شرح آن پرداختند. از مهم‌ترین آثار او است: الأمالی النحویة، الکافیة فی النحو، الشافیة فی الصرف، الوافیة فی النحو، المقصد الجلیل فی علم الخلیل، القصیده الموشحه بالاسماء المؤنثه (یا رساله فی المؤنثات السماعیة)، ایضاح در شرح المفصل زمخشری، المختصر فی الفروع یا جامع الامهات، منتهی السؤول والأمل فی علمی الاصول والجدل.

۲. الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مشهور به «تفسیر کشاف»، از جامع‌ترین تفاسیر قرآن در قرن ششم، و تألیف محمود بن عمر بن محمّد خوارزمی مکنی به ابوالقاسم و ملقب به جارالله زمخشری (۴۶۷ _ ۵۳۸) است. این تفسیر از دقیق‌ترین متون تفسیر قرآن و در ↔

الناسخ والمنسوخ في الحديث،[1] ....

↔ زمرهٔ تفاسیر اجتهادی است که بر دو پایه احتجاج و استنباط استوار است. تفسیر کشاف به جهت اتصاف زمخشری به مذهب اعتزال و تمایل وی به مباحث کلامی، با حربه عقلانیت و اجتهاد، رویکردی عقلانی دارد. لذا از گذشته، محل اعتراض و اشکال بسیاری از ائمه اشعری قرار داشته و شروح و ردیه‌های متعددی بر آن نگاشته‌اند، از آن میان حاشیه مهم و مفصل شرف الدین طیبی به نام فتوح الغیب فی الکشف عن قناع الریب شایان ذکر است که در ۱۷ جلد منتشر شده. با وجود این تفسیر کشاف، به عنوان یکی از تفاسیر متقن و مورد اعتماد، در مجامع شیعی و اهل تسنن همواره محل توجه و استقبال بوده است. کشاف نخستین بار در سال ۱۸۵۶ م در دو مجلد در کلکته چاپ شده است. سپس در سال ۱۲۹۱ در بولاق مصر، و در سال‌های ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، و ۱۳۱۸ در قاهره به چاپ رسیده است. در ایران نیز متن عربی کتاب، مکرر به شکل افست چاپ می‌شده تا این که در سال ۱۳۸۹ برای اولین بار ترجمه فارسی آن به همت مسعود انصاری به وسیله نشر ققنوس نشر یافت.

۱. افراد بسیاری در بیان ناسخ و منسوخ قرآن و حدیث، قلم زده‌اند. برخی از مهم‌ترین کتب مدونه در این مطلب، که تا پیش از تاریخ نگارش فهرست قونوی (یعنی سال ۶۵۶) تألیف شده، به قرار زیر است:

الإعتبار فی الناسخ والمنسوخ از حازمی؛ الناسخ والمنسوخ از ابن شاهین؛ الناسخ والمنسوخ، ابن الجوزی؛ الناسخ والمنسوخ، سمعانی؛ الناسخ والمنسوخ، ابن النحاس؛ کتاب فی الناسخ والمنسوخ، از احمد بن حنبل بن هلال الشیبانی (متوفی ۲۴۱)؛ ناسخ الحدیث ومنسوخه، از أبو بکر أحمد بن محمّد بن هانئ الطائی، معروف بالأثرم (متوفی ۲۶۱)؛ الناسخ والمنسوخ، از أبو داود السجستانی سلیمان بن الأشعث الأزدی (متوفی ۲۷۵)؛ الناسخ والمنسوخ، از أبو بکر محمّد بن عثمان بن الجعد الشیبانی (متوفی ۳۳۱)؛ الناسخ والمنسوخ، از أحمد بن إسحاق بن بهلول بن حسان بن سنان التنوخی الأنباری (متوفی ۳۱۸)؛ الناسخ والمنسوخ، از أحمد بن محمّد بن سلامة بن عبدالملک بن سلمة الأزدی الحجری الطحاوی الحنفی المصری(متوفی ۳۲۱)؛ ناسخ الحدیث ومنسوخه، از أبو جعفر النحاس أحمد بن محمّد بن إسماعیل المرادی المصری (متوفی ۳۳۸)؛ الناسخ والمنسوخ، از أبو محمّد قاسم بن أصبغ بن محمّد بن یوسف الأموی القرطبی (متوفی ۳۴۰)؛ الناسخ والمنسوخ، از عبد الله بن محمّد بن جعفر بن حیان الأصبهانی أبو محمّد الأنصاری(متوفی ۳۹۶)؛ الناسخ والمنسوخ فی الحدیث، از أبو حفص عمر بن أحمد بن عثمان بن شاهین البغدادی محدث العراق (متوفی ۳۸۵)؛ الناسخ والمنسوخ، هبة الله بن سلام أبو القاسم البغدادی الضریر (متوفی ۴۲۲)؛ الناسخ والمنسوخ، از أبوالقاسم عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملک قشیری (متوفی ۴۶۵)؛ الاعتبار فی الناسخ والمنسوخ ↔

وعجالة الأنساب،[1] في مجلّد.

طبيعيات الشفاء وإلاهياته،[2] مجلّد.

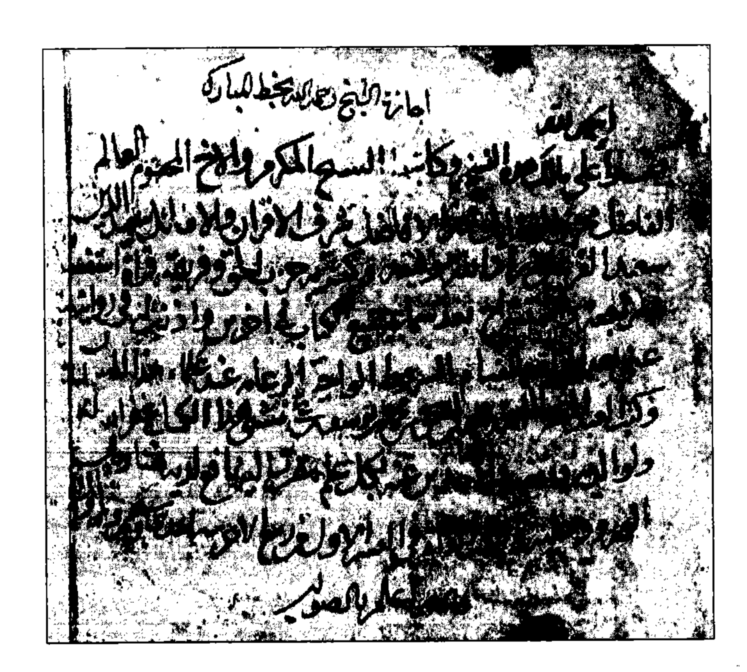
↔ من الآثار، از محمّد بن موسی بن عثمان بن حازم أبو بکر الهمدانی (متوفی ۵۸۴)؛ إعلام العالم بعد رسوخه بحقائق ناسخ الحدیث ومنسوخه، از أبوالفرج جمال الدین عبد الرحمن بن علی بن الجوزی الحنبلی البغدادی (متوفی ۵۹۷)؛ الناسخ والمنسوخ فی الحدیث، از بدر الدین أبو حامد أحمد بن محمّد بن مظفر بن المختار الرازی (متوفی بعد از ۶۳۰) و بسیاری دیگر که پس از این تاریخ به نگارش درآمده‌اند.

۱. شاید عجالة المبتدی وفضالة المنتهی فی النسب، از زین الدین أبو بکر محمّد بن موسی بن عثمان حازمی همدانی (متوفی ۵۸۴) باشد. این کتاب به تصحیح عبدالله کنون در ۱۳۹۳ در الهیئة العامة لشؤون المطابع الأمیریة، در قاهره چاپ شده.

۲. کتاب الشفاء مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر ابن سینا را می‌توان دائرة المعارفی به زبان عربی، در علوم عقلی به حساب آورد که در آن چکیدهٔ آرای فلاسفهٔ بزرگ قدیم یونان و شارحان مدرسهٔ اسکندریه و افلاطونیان و نوافلاطونیان و...، در همه علوم عقلی، اعم از منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات فراهم آمده و مورد تحلیل و نقد و بررسی علمی قرار گرفته است. کتاب شفا، مشتمل بر فنون طبیعیات، منطق، الهیات و ریاضیات است؛ به این صورت که مباحث هر علمی به فنونی و مباحث هر فنی به مقالاتی و مباحث هر مقاله‌ای به فصولی تقسیم شده و در هر فصل مسائل بدون تکرار و اطناب، مورد بررسی قرار گرفته است. از این مهم‌ترین اثر فلسفی ابن سینا، بخش‌های طبیعیات و الهیات برای نخستین بار به صورت سنگی در تهران(۱۳۰۳) طبع شده. همه بخش‌های آن طی سال‌های (۱۹۵۲ تا ۱۹۸۳م) به مناسبت هزاره تولد ابن سینا، زیر نظر ابراهیم مدکور و به کوشش شماری از محققان دیگر در قاهره منتشر شده است. بخش برهان از منطق شفا، جداگانه به کوشش عبدالرحمان بدوی در قاهره، ۱۹۵۴م. نشر یافته. متن عربی و ترجمه فرانسوی بخش روان‌شناسی(کتاب النفس) شفا را، یان باکوش در دو جلد، در ۱۹۵۶م. در پراگ، و متن عربی آن را فضل الرحمان در آکسفورد (انگلستان) منتشر کرده است. ترجمه قدیمی لاتینی آن نیز نخستین بار در ۱۵۰۸ م. در ونیز ایتالیا و چاپ انتقادی جدید آن، به کوشش سیمون فان ریت در دو جلد زیر عنوان «ابن سینای لاتینی، کتاب دربارهٔ روان» در لوون سویس در سال‌های (۱۹۶۸ و ۱۹۷۲ م) همراه مقدمه‌ای دربارهٔ نظریات روان‌شناسی ابن سینا از ج. وِربکه منتشر شده است. چاپ انتقادی جدید ترجمه لاتینی الهیات شفا نیز به کوشش سیمون فان ریت، با مقدمه‌ای از وِربکه در دو جلد در سال‌های (۱۹۷۷ و ۱۹۸۰ م) در لوون سویس انتشار یافته است.

وصیتنامه صدرالدین قونوی، برگرفته از نسخه خطی کتابخانه شهید علی‌پاشا، ترکیه، شمارهٔ ۲۸۱۰، در دو صفحه.

وصیتنامه صدرالدین قونوی، برگرفته از نسخه خطی کتابخانه شهید علی‌پاشا، ترکیه، شمارهٔ ۲۸۱۰، در دو صفحه.



اجازة الشيخ ﷺ بخط المبارک

الحمد لله، قرأ عليّ مالك هذه النسخة وكاتبها، الشيخ المكرّم والأخ المحترم، العالم الفاضل، محرز الفضائل، مجد الأفاضل، شرف الأقران والأماثل، سعيدالدين سعيد الفرغاني، زاد الله توفيقه وكثّر به حزب الحقّ وفريقه، قرائة استفسار ومراجعة واستشراح، بعد سماعه جميع الكتاب فی (؟؟؟)، وأذنت له فی روايته عنّي بعد المزلقة(ظ) بالقيام بالشروط الواجبة الرعاية عند علماء هذاالبنيان(ظ). وكتب العبد الفقير إلى الله محمّد بن إسحاق بن محمّد بن يوسف بن على منشئ هذا الكتاب، غفر الله له ولوالديه، ونفعه والآخذين عنه بكلّ علم مقرّب إليه نافع لديه، هنا وحال الورود عليه، وكملت القراءة فی العشر الأوّل من ربيع الآخر سنة إحدى وسبعين وستمأة، والمنّة لله، والله أعلم بالصواب.

اجازهٔ شیخ صدرالدین قونوی برای سعیدالدین سعید فرغانی به خط مجیز

در پایان نسخه اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن(تفسیر سوره فاتحه از قونوی)

به خط فرغانی، کتابت ۶۶۹ (کوپرلی‌زاده محمّد پاشا، نسخه شمارهٔ ۴۱)

ولد سيّدي الشيخ الإمام العالم الراسخ المخصوص بتأييد الله المحفوف بنعمائه، أبو عبدالله محمّد بن عليّ بن محمّد بن العربي الطائي الحاتمي ثم الأندلسي، في شهر رمضان في السابع والعشرين سنة ستين وخمسمأة، بمدينة مرسية من بلاد الأندلس، أبقاه الله ومتّعني والخلق بطول بقائه.

(یادداشتی دست‌اول به خط قونوی

که تاریخ دقیق ولادت ابن عربی را نوشته)

تصویر صفحهٔ اول فهرست کتابخانهٔ قونوی به خط خودش